

در آنجا نداریم اگر چنانچه دولت از ماها استخدام کند بخوبی میتوانیم از همه خدمت برآیم ولی دولت توجهی بنا نمیکند.

در این سفریکه من مشهد مشرف شدم در راه شتدم یکمده از بلوچهائی را استخدام شده بودند در راه برای حفاظت راه آمده بودند من با آنها صحبت کردم دیدم خیلی مشغول و مسرورند بواسطه شغلی که با آنها داده شده و بهتر از شهرها هم از همه خدمت برمی آیند.

عشایر ما برای خدمت نظامی خیلی رشید و خوبند. داوطلب هم هستند. ما صد هزار نفر کمتر یا بیشتر که برای نظام لازم داریم می توانیم از عشایر مان استخدام کنیم که با کمال رضاورغبت حاضر و داوطلبند.

چون زراعتشان چندان منظم نیست معماری هم که نداشته اند که آنها را به طرف صحت بکشند.

فقط یک مردمان رشید و سالم مزاجی هستند که خدای برای این خدمت امروز ما آنها را برای ما تهیه کرده است چون دولت نتوانست است نسبت به عشایر توجهی بکند که مدارس برای آنها تهیه نماید و آن ها را مثل شهریها به صنایع آشنا کند ولی دست طبیعت بواسطه آب و هوای سالمی که در بیلان و قشلان اینها داشته اند یکم از جاهای صحیح و بنیه های قوی برخلاف شهرها آنها داده است.

و کمالا هم داوطلب هستند برای خدمت کردن بمملکت خودشان از راه نظام. مثل اینکه ماها از راه دیگر داوطلب برای خدمت بمملکت هستیم البته آدم ضعیف. الی اشخاص قوی بنیه و صحیح المزاج که داوطلب هم هستند البته بخوبی می توانند از همه خدمت برآیند.

بلاوه یک اصلی را ملت ایران همیشه تعقیب می کرده است که آن اصل حمایت ازضعف است که در بعضی چیزها ما آنها هم داده است.

مثل اینکه در قانون انتخابات اگر ملاحظه بفرمائید می بینید اصفهان که نهصد و پنجاه هزار جمعیت دارد حق انتخاب پنج نفر نمایندند با آنها داده شد ولی زردشتیها ده هزار نفر جمعیت آنها است و یک نفر نماینده دارد و این از نظر رأفت و حمایتی است که اکثریت نسبت به اقلیت داشته است.

باینجهت با آنها حق داده است که نماینده خاصی بمجلس بفرستند و همچنین راجع بسایر ملل متنوعه که در این مملکت هستند.

و بنده متقدم که فدا کاری را باید اکثریت بکند و خودش را باید سیر بلا نهد و اقلیت را حفظ کند از این جهت نظام برای

معلمین باید اجباری باشد ولی ضرورتی ندارد که ما ملل متنوعه را داخل در نظام اجباری کنیم.

مگر اینکه اکثریت عاجز باشد و نتواند استفاده کند در آنوقت البته ملل متنوعه هم باید کمک کنند در اینصورت بدیهی است که آنها هم کمک خواهند کرد. و بنده با عمومیت این ماده که ملل متنوعه را هم مشمول قانون نظام اجباری بکنند مغالتم و در رأی برنی که در دوره چهارم بنظر من رسید در آنوقت گویا آقای تدین هم متخیر بودند این نظر به بنده تاملین شده بود.

زیرا در آنجا نظام اجباری را منحصر بمعلمین کرده بود و در این قانون سایرین را هم اضافه کرده اند. و من اخلاقاً این عمومیت را مناسب نمیدانم و عقیده دارم که این قانون منحصر بهمان طبقه اکثریت باشد.

زیرا اکثریت باید اقلیت را در مملکت حفظ بکند و چون این ماده نظر بنده را تاملین کند از این جهت بنده مغالتم. وزیر فواید عامه - آقای حائری زاده که اعتراض داشتند. اعتراض اولشان این بود. چرا اصول قشونگیری را بطور اگر چه تجربه جواب ایشان میدهد اگر اینترتیب داوطلبی خوب بود البته تمام دنیا ما را قبول میکردند در صورتی که امروزه در تمام دنیا همین اصول نظام اجباری را قبول کرده اند و بوجوب اصول و ترتیبی هم که در خود ایران هست ثابت شده که نظام باید اجباری باشد نه بطور داوطلب و این یک وظیفه ای است که تمام اقرا و وظایف نسبت بمملکت خودشان دارند و باید این خدمت را انجام دهند و یک مسئله ای است که ببینیم کی قبول میکنند و کی قبول نمیکند.

بلکه یک وظیفه و تکلیف اجباری است که تمام مردم باید قبول کنند. مثل نماز خواندن است که وظیفه هر مسلمانی است و همانطور که هر مسلمانی مجبور است نماز بخواند.

همانطور هم خدمت بمملکت از وظایف حتمیه مردم است. و صرف نظر از اینکه چون داوطلب خیلی گران تمام میشود و درجه مملکت ما استطاعت ندارد که بطور داوطلب یک خدمت قشونی که دفع احتیاج ما را بکند نگاهدارد چه ضرر دارد.

همانطور که آقای حائری زاده خودشان فرمودند که آب و هوای مملکت ما افراد ایلات را رشید و سلحشور خلق کرده بزرگیهای خودتان هم بواسطه همین خدمت قشونی قوی و فربه شوند. اینک عیبی ندارد.

منتهی آنقسمت اولی را لطیفه درست کرده اینقسمت ثانیا را ما بوسطه خدمت

نظامی مصنوعی ایجاد می کنیم. اما اینکه فرمودند چرا ملل متنوعه را استثنا نکرده اند؟ گفتش همان است که عرض کردم.

زیرا همه افراد اهل مملکتند و همه وظیفه دارند که از مملکت خودشان دفاع بکنند منتهی افراد مسلم از دولعاقدارند و دیگران از یک لحاظ.

مسلم هم از نقطه نظر دینیاتی و هم از نقطه نظر مملکتی این وظیفه را دارند ولی سایرین از لحاظ وظائف مملکتی این وظیفه را دارند و این جهت هیچ اشکالی ندارد.

جمعی از نمایندگان - ما اکر اکت کافی است.

رئیس - رأی گرفته می شود بماده اول آقایان که ماده اول را تصویب می کنند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد هر کس هر پیشنهادی دارد قبل از آنکه رأی بگیریم بدهد بیارند. ماده دوم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم - همه خدمت سربازی مذکور در ماده اول که مجموعاً بیست و پنج سال باشد به سه دوره تقسیم می شود.

۱ - دوره خدمت نظامی و مدت آن شش سال است که در سال اول مدت تحت سلاح و چهار سال بعد احتیاطی است

ب - دوره ذخیره و مدت آن شش سال است.

ج - دوره پاسان و مدت آن شش سال است.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده دیگر در مواد مرضی ندارم.

جمعی از نمایندگان - مغالطی ندارد رئیس - پیشنهاد آقای تدین (باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد می کند طبقه پاسان در قسمت ج تبدیل بیاسانی شود.

تدین - لازم است عرض کنم که پاسان شخصی است لذا دوره پاسان معنی ندارد و باید دوره پاسانی نوشته شود.

مغیر - این پیشنهاد را قبول می کنیم.

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی (باینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم - که ماده دوم به از کله (در مواضع) اینطور نوشته شود و بجهیز و احضار قشون غیر تحت سلاح را ضرورت ایجاد نماید الی آخر

رئیس - ماده دوم مطرح است. این پیشنهاد راجع بماده سوم است.

کازرونی - بلی اشتباه شده است رئیس - رأی گرفته می شود بماده دوم با تبدیل پاسان بیاسانی آقایان که موافقت قیام فرمایند (جمع کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم (بشرح آتی خوانده شد)

ماده سوم - ترتیب احضار هر یک از دوره های سه گانه مذکور در ماده ۲ مطابق نظامنامه تجهیزات عمومی وزارت جنگ معین خواهد شد و در مواقعی که تجهیزات جزو واحضار قسمتی از قشون را ضرورت ایجاد نماید از دوره احتیاط شروع و بیاسان ختم خواهد شد.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - عرضی ندارم رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی (بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده تصور می کنم این عبارت مطلب را نرسانده. میگوید «در مواضع» بجهیز جزو واحضار قسمتی از قشون را ضرورت ایجاد نماید» در صورتی که در خانه مقصودش احضار کلیه قشون است یعنی آن سه دوره که در قانون تعیین شده در یک جا میگوید واحضار قسمتی لازم است و حال آنکه در جای دیگر مقصودش احضار کلیه طبقات و افراد است. باین ترتیب بنده گمان می کنم عبارت غلط باشد.

از این جهت بنده پیشنهاد کردم در صورتی که تجهیزات و احضار قشون غیر تحت سلاح را ضرورت ایجاد نماید الی آخر

رئیس - آقای اشکر (اجازه)

اشکر - ماده دوم این نظریه را تأمین می کند یکقسمت راجع است بنظام نامه تجهیزات وزارت جنگ آنرا خواهد نوشت و یکقسمت هم راجع است باشخاصی داخل سنین خدمت شده اند که اگر نباشد یک قسمت را احضار کنند با من معنی که از دوره احتیاط با شروع و بدوره پاسانی ختم کنند پس این فرمایش آقای کازرونی در اینجا هیچ موضوع ندارد

رئیس - رأی گرفته میشود پیش نهاد آقای کازرونی آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی گرفته میشود بماده سوم آقایان موافقت قیام فرمایند (عده کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده پنجم - در تمام نواحی سربازگیری بموجب پیشنهاد وزارت جنگ و تصویب هیئت وزراء و دستور فرمان همایونی از همان سال عمل سربازگیری شروع و خاتمه خواهد یافت

رئیس - پیشنهاد آقای اشکر (بشرح سابق قرائت شد)

اشکر - بنده در ماده پنجم پیشنهاد کرده اند که بعد از کلمه سربازگیری بجای گرفته شود «دعوت شود» نوشته شود

وزیر فواید عامه - بفرمائید قرائت شود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم - ماده چهارم این طور نوشته شود

مملکت ایران مطابق تشکیلات قشونی بنواحی سربازگیری منقسم شده و افراد قشونی در مراکز حوزه های سربازگیری خود گرفته خواهند شد

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - عرضی ندارم رئیس - آقای اشکر (بشرح سابق قرائت شد)

اشکر - بنده در ماده پنجم پیشنهاد کرده اند که بعد از کلمه سربازگیری بجای گرفته شود «دعوت شود» نوشته شود

وزیر فواید عامه - بفرمائید قرائت شود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم - ماده چهارم این طور نوشته شود

مملکت ایران مطابق تشکیلات قشونی بنواحی سربازگیری منقسم شده و افراد قشونی در مراکز حوزه های سربازگیری خود گرفته خواهند شد

رئیس - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - بنده با ماده موافقت نمی کنم اظهار مخالفت کرده تا جواب عرض کنم

رئیس - آقای اشکر پیشنهاد کرده اند عبارت گرفته خواهد شد بدعوت خواهد شد تبدیل شود

یاسانی - بعقیده بنده جمله گرفته شود بهتر است زیرا سرباز را می گیرند دعوت نمی کنند این قانون هم قانون سربازگیری است قانون دعوت سرباز نیست از اینجهت هم عبارت ماده بهتر است

اتحاد - بنده پیشنهاد رامسترد می دارم.

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی (اینطور خوانده شد)

بنده اصلاحات ذیل را در ماده ۴ پیش نهاد می کنم اولاً (بنواحی) در سطر اول بجهت ناحیه جبدل شود ثانیاً در سطر دوم بعد از کلمه قشونی نوشته شود در هر یک از مراکز

رئیس - بفرمائید کازرونی - اینجا نوشته مملکت ایران مطابق تشکیلات بنواحی سربازگیری منقسم میشود

بنده پیشنهاد کردم بنده ناحیه سربازگیری

مملکت ایران مطابق تشکیلات قشونی بنواحی سربازگیری منقسم شده و افراد قشونی در مراکز حوزه های سربازگیری خود گرفته خواهند شد

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - عرضی ندارم رئیس - آقای اشکر (بشرح سابق قرائت شد)

اشکر - بنده در ماده پنجم پیشنهاد کرده اند که بعد از کلمه سربازگیری بجای گرفته شود «دعوت شود» نوشته شود

وزیر فواید عامه - بفرمائید قرائت شود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم - ماده چهارم این طور نوشته شود

مملکت ایران مطابق تشکیلات قشونی بنواحی سربازگیری منقسم شده و افراد قشونی در مراکز حوزه های سربازگیری خود گرفته خواهند شد

رئیس - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - بنده با ماده موافقت نمی کنم اظهار مخالفت کرده تا جواب عرض کنم

رئیس - آقای اشکر پیشنهاد کرده اند عبارت گرفته خواهد شد بدعوت خواهد شد تبدیل شود

یاسانی - بعقیده بنده جمله گرفته شود بهتر است زیرا سرباز را می گیرند دعوت نمی کنند این قانون هم قانون سربازگیری است قانون دعوت سرباز نیست از اینجهت هم عبارت ماده بهتر است

اتحاد - بنده پیشنهاد رامسترد می دارم.

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی (اینطور خوانده شد)

بنده اصلاحات ذیل را در ماده ۴ پیش نهاد می کنم اولاً (بنواحی) در سطر اول بجهت ناحیه جبدل شود ثانیاً در سطر دوم بعد از کلمه قشونی نوشته شود در هر یک از مراکز

رئیس - بفرمائید کازرونی - اینجا نوشته مملکت ایران مطابق تشکیلات بنواحی سربازگیری منقسم میشود

بنده پیشنهاد کردم بنده ناحیه سربازگیری

فلاحتی وارد نمایم رئیس - (خطاب به آقای دستغیب) عضو کمیسیون هستید؟ دستغیب - خیر رئیس - آقای اشکر (اجازه)

اشکر - اولاً آقای دامغانی خوبست ملاحظه بفرمائید که فرضاً در یک دهی که صد نفر دیوست تفحصیت داشته باشد دو سه نفر از آنها بسنین سربازی میرسند و این طور نیست که در موقع سربازگیری تمام رها یا از کار بیگار شوند.

زیرا چند نفر معدودی از آنها دارای سنین سربازی هستند نه همه آنها بطور قرعه خواهند بود.

پس آنطوریکه فرمودند همه از کار بیگار میشوند نیست و اگر بنا شود آن موقعی را که ایشان پیشنهاد کرده اند قبول شود باید ملاحظه بفرمائید که در آنوقت ترتیب مسافرت و ایاب و ذهاب خیلی اشکال دارد.

زیرا زمستان در پیش خواهد بود و مسافرت از نقطه نقطه دیگر خیلی مشکل میشود و اگر بنا شود زودتر از این موقعی که در نظر گرفته شده بپایانده آنها مناسب نیست زیرا موقع بدو کار و خرمن و غیره است از این جهت همین ترتیبی که مقرر شده از همه بهتر است

رئیس - رأی گرفته میشود قابل توجه بودن پیشنهاد آقای دامغانی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که که همراهم تبدیل بآذرماه شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - بنده در شورا اول هم پیشنهاد کردم که عمل سربازگیری در جدی شروع شود حالا که نگاه کردم دیدم جدی همین آذرماه است.

بهر حال بنده عقیده ام این است که از قانون وسایل تسهیل و راحتی را هم برای مردم باید فراهم کرد.

میزان موقع جمع کردن خرمن و بندر کاشتن است در سنبله هم آب میگیرند ولی در جدی چون سرد است و برف آمده و مردم از کار زراعتی و فلاحتی فارغ شده و همه در منزلهاشان هستند از این جهت این موقع برای سربازگیری بد است

از اینجهت بنده پیشنهاد کردم که میزان مهبل جعدی شود.

اگر بنا شد سربازگیری در موقع میزان بود چون موقع خرمن و کار است رها یا در زحمت خواهند افتاد این است که بنده سابقاً جعدی و حالا آذرماه را پیشنهاد کردم حالا

وزیر فواید عامه - علت اینکه از یازدهم میزان یعنی مهرماه معین شده است بادر نظر گرفتن رفاه رها یا و جلوگیری از زحمت آنها و دیگران بوده است و این قانون نظام اجباریکه حالا تصویب مجلس میگردد با ملاحظات زیاد تدوین و تنظیم شده است از یکطرف نباید فراموش کرد اشخاصی که در مجلس قرعه باید حاضر شوند و در موقع برف و سردی هوا که نمیتوانند ایاب و ذهاب کنند.

و از این لحاظ اسباب زحمت است پس میزان بدترین موقعی است که در نظر گرفته شده زیرا از یک طرف مردم و از یک سمت امور فلاحتی راحت شده اند و هنوز یک قسمت دیگر را شروع نکرده اند و هوا هم مناسب است از اینجهت اینطور در نظر گرفته شده خوب هم هست.

رئیس - رأی میگیریم مقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شوشتری (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم - آزما ده پنج کلمه فرمان همایونی حذف شود

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - این پیشنهاد یک اصلاحی است مسئله سربازگیری بعقیده بنده از مختصات وزارت جنگ است و از این جهت جمله فرمان همایونی و هیئت وزراء را لازم ندارد فقط وزارت جنگ باید بعمل سربازگیری ببادرت کند و اگر کلمه فرمان همایونی باشد اسباب زحمت خواهد شد. چرا

زیرا اعلیحضرت است در اروپا است مشغول است (صدای زنگ رئیس) گرفته است وقت ندارد فرمان صادر کند. از این جهت بنده پیشنهاد کردم این کلمه حذف شود.

رئیس - رأی میگیریم مقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم بماده پنجم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اگر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - در اول هر سال تا آخر فروردین شعبه سربازگیری هر ناحیه قشونی صورتی از کلیه افرادی که در آنسال پس سربازی میرسند و در ثبت حوزه های جزمه میباشند از دفتر سجل نفوس آن

وزیر فواید عامه - علت اینکه از یازدهم میزان یعنی مهرماه معین شده است بادر نظر گرفتن رفاه رها یا و جلوگیری از زحمت آنها و دیگران بوده است و این قانون نظام اجباریکه حالا تصویب مجلس میگردد با ملاحظات زیاد تدوین و تنظیم شده است از یکطرف نباید فراموش کرد اشخاصی که در مجلس قرعه باید حاضر شوند و در موقع برف و سردی هوا که نمیتوانند ایاب و ذهاب کنند.

و از این لحاظ اسباب زحمت است پس میزان بدترین موقعی است که در نظر گرفته شده زیرا از یک طرف مردم و از یک سمت امور فلاحتی راحت شده اند و هنوز یک قسمت دیگر را شروع نکرده اند و هوا هم مناسب است از اینجهت اینطور در نظر گرفته شده خوب هم هست.

رئیس - رأی میگیریم مقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شوشتری (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم - آزما ده پنج کلمه فرمان همایونی حذف شود

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - این پیشنهاد یک اصلاحی است مسئله سربازگیری بعقیده بنده از مختصات وزارت جنگ است و از این جهت جمله فرمان همایونی و هیئت وزراء را لازم ندارد فقط وزارت جنگ باید بعمل سربازگیری ببادرت کند و اگر کلمه فرمان همایونی باشد اسباب زحمت خواهد شد. چرا

زیرا اعلیحضرت است در اروپا است مشغول است (صدای زنگ رئیس) گرفته است وقت ندارد فرمان صادر کند. از این جهت بنده پیشنهاد کردم این کلمه حذف شود.

رئیس - رأی میگیریم مقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم بماده پنجم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اگر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - در اول هر سال تا آخر فروردین شعبه سربازگیری هر ناحیه قشونی صورتی از کلیه افرادی که در آنسال پس سربازی میرسند و در ثبت حوزه های جزمه میباشند از دفتر سجل نفوس آن

وزیر فواید عامه - علت اینکه از یازدهم میزان یعنی مهرماه معین شده است بادر نظر گرفتن رفاه رها یا و جلوگیری از زحمت آنها و دیگران بوده است و این قانون نظام اجباریکه حالا تصویب مجلس میگردد با ملاحظات زیاد تدوین و تنظیم شده است از یکطرف نباید فراموش کرد اشخاصی که در مجلس قرعه باید حاضر شوند و در موقع برف و سردی هوا که نمیتوانند ایاب و ذهاب کنند.

و از این لحاظ اسباب زحمت است پس میزان بدترین موقعی است که در نظر گرفته شده زیرا از یک طرف مردم و از یک سمت امور فلاحتی راحت شده اند و هنوز یک قسمت دیگر را شروع نکرده اند و هوا هم مناسب است از اینجهت اینطور در نظر گرفته شده خوب هم هست.

رئیس - رأی میگیریم مقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شوشتری (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم - آزما ده پنج کلمه فرمان همایونی حذف شود

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - این پیشنهاد یک اصلاحی است مسئله سربازگیری بعقیده بنده از مختصات وزارت جنگ است و از این جهت جمله فرمان همایونی و هیئت وزراء را لازم ندارد فقط وزارت جنگ باید بعمل سربازگیری ببادرت کند و اگر کلمه فرمان همایونی باشد اسباب زحمت خواهد شد. چرا

زیرا اعلیحضرت است در اروپا است مشغول است (صدای زنگ رئیس) گرفته است وقت ندارد فرمان صادر کند. از این جهت بنده پیشنهاد کردم این کلمه حذف شود.

رئیس - رأی میگیریم مقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم بماده پنجم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اگر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - در اول هر سال تا آخر فروردین شعبه سربازگیری هر ناحیه قشونی صورتی از کلیه افرادی که در آنسال پس سربازی میرسند و در ثبت حوزه های جزمه میباشند از دفتر سجل نفوس آن

ناحیه استخر راج نموده و بوسیله روسای
مافوق خود بوزارت جنگ ارسال میدارد
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - عرضی ندارد
رئیس - آقای دستغیب
(اجازه)
دستغیب - موافقم
جمعیت از نمایندگان - مخالفی
ندارد.
رئیس - رای گرفته میشود بماده
ششم آقایانیکه تصویب میکنند قیام
فرمایند.
(اکثر نمایندگان قیام کردند)
رئیس - تصویب شد ماده هفتم
(بترتیب ذیل خوانده شد)
ماده هفتم - وزارت جنگ پس از وصول
صورت‌های مزبور به کمیته فرائی را که در
آن سال لازم خواهد داشت باتمیین تقسیم
آن‌ده بنواحی باشاه صدی بیست برای
کشور احتمالی ممین کرده برای روسای
حوزه‌های قشونی ارسال خواهد نمود
رئیس - آقای تدین
(اجازه)
تدین - موافقم
رئیس - آقای شریعت‌زاده
(اجازه)
شریعت‌زاده - موافقم
رئیس - آقای داور
(اجازه)
داور - موافقم
بعضی از نمایندگان - مخالفی
ندارد.
رئیس - رای میکیریم آقایان موافقین
بماده هفتم قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام کردند)
رئیس - تصویب شد ماده هشتم
(اینطور خوانده شد)
چون اشخاصی که مشق کرده و تعلیم
گرفته‌اند میتوانند داخل درصوف شده و
کار کنند.
ولی اشخاصی که هیچ مشق نکرده‌اند
اگر بناشود جزو اینها باشند نمیتوانند از
عهده برآیند و اسباب زحمت خواهد
می‌شوند.
اول - اشخاص غیر متأهل
۲ - اشخاص متأهل و بدولت اولاد
۳ - اشخاص متأهل با اولاد
برای تأمین احتیاجات قشونی با افراد
طبقه اول مقدم بر طبقه ثانی طبقه ثانی مقدم
بر طبقه ثالث است برای قرعه دعوت
می‌شوند.
وزیر فواید عامه - بازراد غلط است
افراد صحیح است
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای یاسانی
(اجازه)
یاسانی - موافقم
رئیس - مخالفی ندارم
رای میکیریم بماده هشتم آقایان موافقین
قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام کردند)
رئیس - تصویب شد ماده نهم
(اینطور خوانده شد)
ماده نهم - اشخاصی که واجد شرایط
نظامی بوده ولی قرعه بنامشان اصابت ننماید
باید در سال بعدم جزء اشخاصی که برای قرعه
دعوت میشوند حاضر گردند
ولی در صورتیکه در آن سال هم قرعه
بنام آنها اصابت ننماید جزء دوره پاسبان
محسوب خواهد شد.
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - عرضی ندارم
رئیس - آقای اتحاد
(اجازه)
اتحاد - بنده تصور میکنم در اینجا
یک سهوی واقع شده و آن این است که باید
جزو دوره ذخیره نوشته شود نه پاسبانی برای
اینکه اگر پاسبانی نوشته شود آنوقت آن
سیزده سال چه میشود؟ اگر مقصود همین
است که بنده عرض کردم که هیچ والا اگر
آقای مخبر دلیلی دارند بفرمایند تا ما قانع
شویم.
مخبر - در این خصوص خاطر آقایان
را مستحضر میکنم که در کیسیون در
این موضوع مذاکرات زیاد شد.
در اینجا سهوی نشده و اشخاصی که
هیچ خدمت نظامی نکرده‌اند دولت اینها را
میرسد به پاسبانی چون به پاسبانی در برتر
احتیاج پیدا میکنند و اینها مثل اشخاصی
که مشق کرده‌اند داخل در خدمات اولیه
نمی‌شوند.
چون اشخاصی که مشق کرده و تعلیم
گرفته‌اند میتوانند داخل درصوف شده و
کار کنند.
ولی اشخاصی که هیچ مشق نکرده‌اند
اگر بناشود جزو اینها باشند نمیتوانند از
عهده برآیند و اسباب زحمت خواهد
می‌شوند.
رئیس - پیشنهاد آقای اتحاد قرائت
میشود.
(باین ترتیب خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم - در ماده ۹
کلمه پاسبان که در آخر سطر سطر سطر
است مبدل بکلمه ذخیره شود.
رئیس - آقای اتحاد
(اجازه)
اتحاد - فرمایشاتی که آقای مخبر
فرمودند بنده را قانع نکرده بنده تصور
میکنم دلالی که در اطراف این قانون
ذکر شد حاکی از این بود که خدمت نظام

اجباری یک وظیفه عمومی است که همه مکلفند
آنها انجام دهند.
بر حسب قرعه یک اشخاصی دعوت می
شوند و باین ترتیب عمل بزرگی انجام
می‌یابد.
اگر باسم یک اشخاصی در مرتبه قرعه
اصابت نکنند باید جزء ذخیره باشند و این
که فرمودند اینها تعلیم ندارند مسلم است
وقتی آنها را برای ذخیره ممین کنند دوسه
ماهی باید مشق کنند و تعلیم بگیرند.
از این جهت بنده پیشنهاد کردم که
بجای پاسبانی ذخیره نوشته شود.
رئیس - آقای اخگر
(اجازه)
اخگر - آقای سرکشیک زاده توجه
نکردند که اشخاصی که فقط یک ماه در
این مدت مشق کنند ببرد نخواهند خورد
برای اینکه ذخیره برای این است که در
موقع احتیاجات فرائی برعهده بیایند.
ولی اشخاصی که مثلا مشق نکرده‌اند
جز اینکه اسباب زحمت برای صاحب منصبان
باشند فایده دیگری ندارند ولی پاسبانی یک
خدمتی است که هیچ محتاج به مشق و تعلیم
نیست و در آخرین قسمت واقع شده و معلوم
نیست که دولت محتاج بوجود آنها بشود یا
نه؟ از این جهت پاسبانی بهتر است.
رئیس - رای میکیریم به پیشنهاد
آقای اتحاد آقایانی که تصویب می‌کنند
قیام فرمایند.
(چند نفری قیام کردند)
رئیس - قابل توجه نشد.
پیشنهاد آقای تقی زاده.
(بشرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم بآخر ماده
افزوده شود و تا سن ۵ سالگی در جزو پاسبانی
خواهند ماند.
مخبر - بفرمایند مجدداً قرائت شود
(مجدداً بشرح فوق خوانده شد)
رئیس - بفرمایند.
ققی زاده - بنده با ماده موافقم ولی
اینکه گفته میشود دوره پاسبانی دوره
پاسبانی مدتش شش سال است در صورتیکه
مقصود این است که اگر بعضی از افراد
مملکت داخل در دوره خدمت نظامی
نشوند جزو پاسبان باشند برای اینکه کسانی
که دوره خدمت نظامی را طی کرده‌اند
داخل دوره احتیاط و ذخیره میشوند و از
سن سی و نه سالگی تا چهل و پنج سالگی که
شش سال است دوره پاسبانی خواهد بود.
ولی آنها هم که خدمت نکرده‌اند
داخل پاسبانی میشوند تا سن چهل و پنج
سالگی باید جزو پاسبانی باشند.
مخبر - پیشنهاد آقای تقی زاده را
قبول میکنم
رئیس - این قسمت اضافه میشود
بماده نهم - رای گرفته می‌شود بماده
نهم.
(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۱۲ - اشخاصی که بخواهند داخل
خدمت درصوف نظمی یا امتیه بشوند باید
خدمت دوره کامل تحت السلاح (دوسال)
را تمام کرده و تصدیقنامه حسن اخلاق و صحت
صل را در دست باشند.
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - عرضی ندارم.
رئیس - مخالفی ندارم؟ رای گرفته
می‌شود باین ماده آقایان موافقین قیام
فرمایند.
(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
ماده سیزده -
(اینطور قرائت شد)
ماده ۱۳ - اشخاصی که قبل از رسیدن
بسن سربازی داوطلبانه دوسال تحت سلاح
خدمت نموده باشند از شرکت در قرعه معاف
و جزو ذخیره محسوب میگرددند.
رئیس - آقای وحید سمد
(اجازه)
وحید سمد - اینجا نوشته است
اشخاصی که قبل از رسیدن بسن سربازی
داوطلبانه تحت سلاح خدمت نموده باشند از
شرکت در قرعه معاف و جزء ذخیره
محسوب می‌شوند.
بنده بنده باید حداقلی برای سن
این قبیل اشخاص تعیین شود که معلوم شود تا
چهار سنی می‌توانند داوطلبانه داخل خدمت
تحت سلاح بشوند.
رئیس - شاهزاده قلامحسین میرزا
(اجازه)
غلامحسین میرزا - بنده تصور
می‌کنم این يك ماده خیلی خوبی است
زیرا این يك توجهی است نسبت به اشخاصی
که يك مشاقتی برای خودشان در نظر
نمیگیرند و اتفاقاً تحصیلشان در هیچ
سالگی تمام می‌شود.
پس بهتر این است که این اشخاص
قبل از اینکه بسن بیست و یکسال برسدند حق
داشته باشند دوسال خدمتشان را بچکنند
بعد از آن آزاد باشند
(جمعی گفتند معاذ کرات کافی است)
رئیس - پیش نهادها قرائت می
شود.
(بضمون ذیل قرائت شد)
پیش نهاد آقای وحید سمد - بنده
پیشنهاد می‌کنم ماده ۱۳ این طوری اصلاح
شود:
اشخاصی که از سن هیچ سالگی
داوطلبانه دوسال تحت السلاح خدمت نموده
باشند از شرکت در قرعه معاف و جزء ذخیره
محسوب می‌گردند.
رئیس - توضیحی دارید.
وحید سمد - خیر توضیح بنده همان
بود که عرض کردم.
رئیس - آقایانی که این پیش نهاد را

قابل توجهی دانند قیام فرمایند
(عده کثیری برخواستند)
رئیس - قابل توجه نشد.
رای میکیریم بماده سیزده آقایانی که
تصویب می‌کنند قیام فرمایند
(غالب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
ماده چهارده -
(اینضمون قرائت شد)
ماده ۱۴ - کسانی که خدمت تحت
السلاح خود را بانجام رسانده باشند و
بخواهند بخدمت خود ادامه دهند در صورت
احتیاج وزارت جنگ پذیرفته خواهند
شد.
رئیس - آقای دستغیب
(اجازه)
دستغیب - موافقم
رئیس - مخالفی ندارم؟
(گفته شد خیر)
رئیس - آقایان موافقین بماده ۱۴
قیام فرمایند
(غالب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
ماده پانزده -
(بعضی از نمایندگان تقاضای
تنفس نمودند و بعضی مخالف بودند)
رئیس - رای میکیریم آقایانی که
با تنفس موافقت قیام فرمایند
(غالب نمایندگان برخواستند)
رئیس - تصویب شد
(در این موقع جلسه برای تنفس
تعلیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل
گردید)
رئیس - ماده پانزده قرائت می
شود.
(بشرح ذیل قرائت شد)
ماده ۱۵ - کسانی که از خدمت
نظامی اجباری بواسطه علل مزاجی معاف
میشوند.
۱ - ناپبانی از یک یا دو چشم
۲ - فوزی
۳ - کر
۴ - لال
۵ - شل و جلاق
۶ - یکدست
۷ - فاقد بین شست و یا حبابه دست
راست
۸ - اشخاص قصیر القامه که قد آنها از
یک متر و نیم کوتاه تر باشد.
۹ - اشخاص مسلول و مبتلای بامراض
مسریه از قبیل و غیر بصرف دو نفر
طبیب.
۱۰ - اشخاص ضعیف البینه و مریض
و نزدیک بین و مریض از چشم بصرف دو
نفر از اطباء نظام که عدم استعداد آنها
برای خدمات نظامی تصدیق نمائند.
تبصره - اشخاص ضعیف البینه یا

مرضی قابل معالجه جزء قرعه محسوب
شده و در صورتی که قرعه بنام آنها اصابت
نماید داخل خدمت شده ولی قبل از رفتن
تحت سلاح بخرج دولت معالجه خواهند
شد.
مخبر - (از قبیل و غیره) باید حذف
شود.
رئیس - از تبیل و غیره حذف می
شود.
آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - عرضی ندارم.
رئیس - مخالفی ندارد؟
بعضی از نمایندگان - خیر
رئیس - پیش نهادها قرائت می
شود.
(بشرح زیر خوانده شد)
پیش نهاد آقای دامغانی - در ماده ۱۵
پیشنهاد می‌کنم در آخر ماده بعد از لفظ
طبیب نوشته شود: نظامی یا صحتی
مخبر - بنده قبول می‌کنم.
رئیس - پیشنهاد دیگر
(بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد آقای دامغانی - در ماده ۱۵
پیشنهاد می‌کنم در آخر ماده بعد از لفظ
طبیب نوشته شود: نظامی یا صحتی
مخبر - بنده قبول می‌کنم.
رئیس - پیشنهاد دیگر
(بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد آقای دامغانی - بنده پیش نهاد
می‌کنم در قسمت اول ماده ۱۵ این قسم
نوشته شود: ناپبانی از چشم چپ.
تجدد - اینجا بنظر بنده اشتباه شده
است زیرا بنده نمی‌دانم ناپبانی از یک چشم
یا دو چشم یعنی چیزی را ممکن نیست کسی
دو چشم نداشته باشد و یک چشم داشته باشد
در این صورت چون مقصود در بنده نمی‌دانم
لذا این طور پیشنهاد کردم.
رئیس - رای میکیریم بقبایل توجه
بودن پیشنهاد آقای تجدید آقایان موافقین
قیام فرمایند.
(چند نفری قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد. آقای دامغانی
پیشنهاد جنابعالی را بخوانند؟
دامغانی - بفرمایند
(بضمون ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم در ماده ۱۵ در قسمت
اول نوشته شود: ناپبانی از یک چشم
دامغانی - ناپبانی که نوشته شده از یک
چشم کافی است دیگر دو چشم نمی‌خواهد
برای اینکه اگر کسی دو چشمش کور باشد
يك چشم هم کور است و بنده بنده يك
چشم کافی است
وزیر فواید عامه - تصریح پاره مطالب
در قانون ضروری ندارد بلکه بهتر است
چنانچه در ماده يك که تصریح کردند
(اینجا ذکر کرد) يك جمله واضحی واقف کرده
زیرا معلوم است صافه نوسان مستثنی هستند
در اینجا هم اگر تصریح شود از يك چشم
یا دو چشم ضرر ندارد برای اینکه بنده بنده
باید جزء معافیت در این قانون نوشته
شود که در آن اسباب اشکال فراهم نشود
زیرا فرضاً اگر يك چشم نوشته شود ممکن

است يك کسی بگوید که چشم که در قانون
تصریح نشده.
رئیس - رای میکیریم پیشنهاد آقای
دامغانی.
(عده کثیری برخواستند)
رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای
ضیاء هم رد شده است آقای یاسانی و
آقای آقا سید معقوب پیشنهاد کرده‌اند يك
متر و نیم تبدیل شود يك گز و نیم
وزیر فواید عامه - صحیح است باید
ابدیل بگردد.
مخبر - قبول میکنم.
رئیس - مطابق قانون جدید است. رای
گرفته میشود بماده ۱۵ با اضافه (نظامی یا
صحتی) در آخر قرعه ۹ و حذف (از قبیل و
غیره در همان قرعه ۹ و تبدیل متر بگز
آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.
رئیس - تصویب شد ماده ۱۶
(بضمون ذیل خوانده شد)
ماده ۱۶ - کسانی که بواسطه موقعیت
خود را از خدمت نظامی معاف میباشند.
۱ - حکام شروع مجاز با جهاد از مراجع
تقلید و یا قوتی و مدرسین علوم معقول و معقول
و پیش نمازان مساجد که از یکسال قبل از
سن سربازی متصدی شغل امانت جماعت بوده
باشند.
۲ - دارندگان تصدیق نامه (دیپلم) از
مدارس عالی داخله و خارجه.
۳ - طلاب علوم دینی که در مدارس
قدیمه تحصیل می‌نمایند.
در صورت اصابت قرعه بنام آنان و واجد
بودن شرایط ذیل در مدت تحصیل داشتن
تصدیق اجتهاد پس از تحصیلات از خدمت
نظامی معاف میباشند.
۴ - نداشتن اشتغال جز تحصیل
بد داشتن تصدیق نامه طلبه کی از متولای
و مدرس مدرسه که فقط اشتغال به تحصیل دارند
جسدادن امتحان مطابق درجانی که
طلاب تحصیل میکنند از مقامات بالا
۵ - بیگانه پسر هر مرد یا زنی که مشق
بشمت رسیده یا بواسطه هلت مزاج از اداره
امر معاش خود عاجز باشد و کفالت برعهده
آن پسر باشد در تمام مدت کفالت
۶ - پسر دوم هر مرد یا زنی که پسر اول
اودر تحت سلاح بوده و در صورت داشتن پسر
سوم آن پسر بسن ۱۸ سال نرسیده باشد.
۷ - پسر هر مرد یا زنی که يك پسرش
در خدمت نظامی وفات کرده باشد در صورتی
که آن مرد یا زن پسر دیگری هم داشته
باشد این معافیت تا زمان رسیدن پسر دیگر
بسن ۱۷ سالگی خواهد بود.
۸ - پسر هر بیوه زنی که غیر از آن پسر
کسی دیگر تکفل امور
مشاغلها را نتواند در تمام مدت کفالت
۸ - هر جوانی که مدتی در يك
خانواده بوده و در محل پدر یا برادر یا پدر

زن یا برادرزنی که کفالت امور خانواده او را بنماید نداشته باشد که این وضعیت باقی باشد.

۹- هر حواری که کسی باقیم بقیه باشد که یعنی غیر از او برای اداره کردن امور آن چشم شخصی دیگری نباشد مادام که حال بدین منوال باشد.

۱۰- هر جوانی که متحصراً کفیل همیشه جدا جدا پیربایان از کار افتاده خود باشد مادام که حال بدین منوال است.

۱۱- دوفتری که مشترکاً کفیل یک یا چند خانواده باشند و در یکسال قرعه بنام هر دو اصابت نماید آنکه اول قرعه بنام اصابت نموده است بخدمت نظامی داخل و دیگری مادام که این وضعیت باقی است از خدمت معاف خواهد بود.

۱۲- یکی از دو سرپرستی که قرعه بنام هر دو اصابت نماید با انتخاب پدر برای مدت دو سال معاف خواهد بود.

۱۳- پسران دیگر هر شخصی که بواسطه قرعه یک یا دو پسر او داخل خدمت نظامی میشوند برای مدت دو سال رئیس- آقای آقا شیخ فرج الله (اجازه)

آقا شیخ فرج الله - عجانا مرضی ندارم

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی- بنده تصور میکنم که یکی از بزرگ ترین قدمهائی که مجلس شورای ملی در دو پنجم در عتب سردولت و کنگ بافکار آقای رئیس الوزراء بر میبازد همین قانون نظام اجباری است قانون نظام اجباری بقیه بنده در یک مملکتی به منزله روح ن مملکت است

اگر یک ملت ولت تمام افرادش سلطنت و جنگی باشند ولی در تحت یک قانونی موظف نشوند که بملکت خودشان یک خدمت معینی خدمت کنند آن مملکت حق ندارد در مقابل سایر ملل زنده دنیا ادعای استقلال کند.

ملکت ما تا امروز مستقل بوده است و حال هم هست ولی آن استقلالی که بانام معنای این گفته تطبیق میشود بعد از تصویب این قانون خواهد بود.

شیروانی- البته حال هم استقلال دارد بنده هم عرض نکردم ندارد عرض کردم معنی پیدا میکند.

در مملکت ما همان طور که بعضی آقایان فرمودند نشون داوطلب خیلی خوب می شد که گرفته شود ولی یک جنبه های سیاسی داشته که ما باید بالاخره با این قانون آن مقصد عالی خودمان را انجام بدهیم.

بمقیده بنده ماده شانزدهم آن معنای حقیقی نظام اجباری را لنو میکند برای اینکه اجبار برای اشخاصی است که نمیتوانند تن بخدمت و کار بدهند و الا آن اشخاصی که حاضر میشوند خدمت بملکت خودشان بکنند اجباری لازم ندارد او خودش با طیب خاطر حاضر است و خدمت میکند گمانیکه همین قشون داوطلب و پنجه درست ترین مواقع این مدکت مشغول جان بازی و نما گازی هستند ایرانی هیچوقت از زیر خدمت بملکت خودش فرار نکرده همیشه ماده بوده است که در مقابل تمام مخاطرات جان نشانی نماید فقط کنگه اجبار برای کسانی است که نمیتوانند در مصائب با سایر افراد مملکت شریک باشند و این اجبار برای آنها است والا اسم این قانون را ما باید بکناریم

قانون سرباز گیری داوطلبی و وقتی که بنام یک استثنائی باشد یعنی همانهایی که حالا باید بیایند تحت سلاح همانها را بیایم مستثنی کنیم دیگر معنای اجباری تصور می کنم تطبیق نشود با این قانون و الا اهالی مامقان اهالی فلان سرحد آذربایجان اهالی شاهسون اهالی قشقای و سایر ایلات سلطنتور ماه میشه حاضر بوده اند زیر اسلحه بروند برای خدمت بملکت و همچنین دهانهای ما همیشه حاضر بوده اند خدمات نظامی را انجام دهند و در حقیقت این قانون برای اهالی و ساکنین شهرها و پایتخت است که نمیخواهند این خدمات شاقه را انجام دهند و حالا این قانون نظام اجباری برای آنها نوشته می شود حال آنکه می گوییم که من مراجعه می کنم بیعضی از قسمتهای این قانون می بینم شاید در تمام تهران آن سگی که سنین سربازی را معین کرده است در تمام ایران شاید دوست نفر سرباز نتوانستیم بگیریم برای اینکه امروز قسمت اعظم سکنه شهر بچه های خودشان را به مدارس ابتدائی و بعد متوسطه می فرستند و یک قسمت هم که آقا زاده ما هستند در مدارس قدیمه مشغول تحصیلند.

این دوستها وقتی ما مستثنی کردیم از نظام اجباری آنوقت دوباره آن حالها را باید بیاوریم و سرباز کنیم و آنهایی که حقاً نظام اجباری باید برای آنها باشد آنها را بیایم دومرتبه از خدمت نظامی معاف کنیم.

در سایر مواد این قانون که بنده اجازه خواست بودم و عرض نکردم عاقلش این بود که دیدم در آن مواد چندان لزومی ندارد که حرف زده شود زیرا آن مواد یک مواد تخصصی است که اعضاء کمیسیون چون در نظام تخصصی داشته اند در آن وقت کرده اند و بنده چون اطلاع نظامی نداشتم لازم نبود عرض بکنم.

بهر صورت این قسمت چون مربوط است بهامه مردم و عنوان تخصص هم در کار نیست ما حق داریم در این جا یک اظهار عقیده هائی بکنیم.

بنده در نظر دارم که در شورای آقای مدرس یک دفاع مشروع و مفصلی از این قانون کرده که یک دفاع عالی و منطقی بود و همه نظرشان این بود که این قانون قانون اسلامی است و البته وجود ایشان در این مجلس و با وجود تشریف داشتن سایر علمای معترم باید تمام قوانین ما باقواند اسلامی کاملاً تطبیق شود.

ایشان حتی نظرم هست که در جواب آقای کازرونی فرمودند که هر کس مخالفت کند با این قانون کافر است.

(همه بین نمایندگان حاج آقا اسماعیل - ابداً هیچ حرفی نزودند.

شیروانی - بنده خوب یادم است که ایشان این طور اظهار عقیده کردند.

بهر صورت بقیه بنده این وظیفه تمام افراد مسلمین و ملت ایران است که برای حفظ حدود و ثغور اسلام خدمت نظامی کنند و تصور میکنم نه در قانون مذهبی ما و نه در قانون اداری دنیا هیچ جا احدی را از خدمت نظامی معاف نکرده اند جز یک اشخاصی را که در مواد بعد این قانون و در بعضی از قسمتهای دیگر همین ماده ذکر شده.

دیگر اینکه یکی از چیزهایی که از جمله عقاید شخصی بنده است (و شاید جزه عقاید سیاسی بعضی از آقایان هم باشد) این است که امتیازات باید الفاء خود ما یا مرامی که در دست داریم مخالف امتیازات شخصی هستیم.

ما تمام افراد ملت را متساوی العقول می دانیم و در خدمات به مملکت و در استفاده از حقوق همه متساوی می دانیم.

اختگر- فرمایشات آقای شیروانی بچند قسمت تقسیم میشود در قسمت اولش بنده جوابی عرض نمی کنم زیرا داخل در موضوع شخصی است و بنده مخالف با امتیازات شخصی در قسمت اول این ماده مینویسم.

حکام شرع مجاز یا اجتهاد از مراجع تقلید با این قسمت بنده کاملاً موافق است آخر سطر برای این که قهر آ هست یعنی حکام شرع مجاز آنها در سن بیست و یکسالگی تصور می کنم کمتر اتفاق افتاده که ما حکم شرع مجاز باشند مگر اینکه دارای علم لدنی باشند.

در قسمت دوم هم که مربوط است بطبقه خود بنده با این هم مخالفم برای چه دارندگان تصدیق نامه و دیپلم یکسال نروند تحت سلاح که عضلاتشان قوی شده و بملکت خدمت کنند؟ ببقیه بنده این طبقه هم کاملاً باید در حین خدمت نظامی بشوند و مثل سایر افراد خدمت کنند و قسمت سوم را هم به چنین طلاب علوم دینی را بنده هیچ مجوزی برایش نمی بینم که نباید تحت

سلاح بیاید و خدمت به مملکت خودش بکند تمام افراد مطابق قوانین اسلامی و قوانین سیاسی و اساسی هر مملکت باید بملکت خودشان خدمت کنند بنابراین با خدمت دوم و سوم کاملاً مخالف ولی چون احتمال میدهم آقایان لایحه اولی دولت زادر دسترسی خودشان نداشته باشند لهذا بنده ماده هجدهم پیشنهاد دولت را پیشنهاد کردم که بجای قسمت گذارده شود.

بلی چیزی که هست این ها نباید مثل سایرین خدمت نظامی آنها طولانی باشد ولی چون باید آنها هم خدمت بملکت بکنند با واجد بودن شرایطی که در لایحه دولت پیش بینی شده مدت خدمت آنها کمتر باشد و اگر آقایان لایحه دولت را فرات فرموده بودند تصدیق میفرمودند که این خبر کمیسیون با آن لایحه خیلی تفاوت دارد مثلا در آنجا عنوان امتحان را کرده است که آنها را که مستثنی کرده اند در وقتش امتحان کنند، اینکه مثل قانون استخدام که الان میخواهم اجرا کنیم هر کسی می رود یک استثنائی درست میکند و یک نوشته و یک کافندی بدست می آورد و بالاخره خودش را با قانون استخدام تطبیق می کند.

آنوقت هم باز بنای کافند سازی میشود و خودشان را می آورند بدرجه اول اجتهاد در درجه اول دیپلم باید علمای مملکت آنها را بیاورند پای تخته و از آنها سؤال علمی کرده و جواب میشوند و بعد تصدیق بدهند بنابراین بنده با ماده شانزدهم با این دلالتی که عرض کردم در قسمت دوم و سوم مخالفت می کنم و بجای آنها ماده هجدهم دولت را پیشنهاد می کنم.

رئیس- آقای اختگر (اجازه)

اختگر- فرمایشات آقای شیروانی بچند قسمت تقسیم میشود در قسمت اولش بنده جوابی عرض نمی کنم زیرا داخل در موضوع شخصی است و بنده مخالف با امتیازات شخصی در قسمت اول این ماده مینویسم.

حکام شرع مجاز یا اجتهاد از مراجع تقلید با این قسمت بنده کاملاً موافق است آخر سطر برای این که قهر آ هست یعنی حکام شرع مجاز آنها در سن بیست و یکسالگی تصور می کنم کمتر اتفاق افتاده که ما حکم شرع مجاز باشند مگر اینکه دارای علم لدنی باشند.

در قسمت دوم هم که مربوط است بطبقه خود بنده با این هم مخالفم برای چه دارندگان تصدیق نامه و دیپلم یکسال نروند تحت سلاح که عضلاتشان قوی شده و بملکت خدمت کنند؟ ببقیه بنده این طبقه هم کاملاً باید در حین خدمت نظامی بشوند و مثل سایر افراد خدمت کنند و قسمت سوم را هم به چنین طلاب علوم دینی را بنده هیچ مجوزی برایش نمی بینم که نباید تحت

یک ستونی واقع شده است که یکطرفش مربوط بعلوم دینی است یکطرفش مربوط هرقیه همانطور که برای مجتهدین مجاز از مراجع تقلید استثناء قائل شده ایم همانطور برای دارندگان دیپلم از مدارس عالی هم استثناء قائل شده ایم فقط جنبه علمی ملاحظه شده است و این هم بواسطه فرط احتیاجی است که مملکت ما بمعلومات دینی و مدنی دارد و میبایستی این مراعات را کرد علاوه خوب است آقایان وقتی بفرمانند در این مسئله که هر قانونی در اول اجرا بهتر این است که دارای یک تسهیلاتی باشد که اگر قانون مجری شد و اشکالاتی در ضمن عمل دیده شد ممکن است دوباره بطور یکطرفی تقدیم این مجلس یا مجلس آتی بکنند (جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است و عده گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی می گیریم . آقایان که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

(فالب نمایندگان برخاستند)

رئیس - اکثریت است . پیشنهادها فرات میشود .

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای طهرانی : این بنده پیشنهاد می نماید از قرعه اولی از ماده ۱۶ از قبیل پیشنهادان مساجدالی آخر حذف شود .

رئیس - بفرمایند .

طهرانی - عرض از این قانون این است که مقام معلومات روحانی از بین نرود و افراد و معارف و معارف و معارف و معارف فقط عدالت شرط است اهم از اینکه همواره باحکلا مرش باشد . اهم از اینکه تحصیل کرده ما در با نکرده با سادگر ماعدالت را شرط بدانیم بر حسب عقیده یک جمعی از مسلمین معلوم است از شانزده سال تا بیست سال خیلی مشکل است یک کسی را تبدیل واقعی کردن . حالا بر فرض اینکه تبدیل کنند عدالت باعث این نمیشود که یکی از اصول شریعه که دفاع از مملکت اسلامی است از این شخص ساقط بشود اگر تحصیلش تحصیلات معارف روحانی شده طلبه و محصل شده معانی دارد البته داخل در آن عنوان است و الا فقط فقط که در وقت مسجد حاضر میشود مستثنی باشد نمیشود اگر داخل در طلب شد در این صورت مستثنی است و اگر داخل طلب اهل علم نشده ممکن است بکنفر یک دفعه ظهر مسجد برود بکنفر یک ساعت بعد ظهر بیرون و همینطور تا غروب باز نرود در یک مسجد خراب حاضر شوند و مردم هم جمع شوند نماز بخوانند . اینها را نمی شود معاف داشت و بنابر

این بنده استثناء می کنم بین پیشنهاد و طلاب اهل علم را و الا برای علماء روحانی و طلاب روحانی که تحصیل میکنند مواد دیگر مکفی است .

رئیس- رأی گرفته می شود بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای طهرانی .

آقایان موافقین قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای افشار .

(مضمون ذیل خوانده شد)

اینجناب ماده ۱۶ را بطریق ذیل اصلاح میکنم

ماده ۱۶- کسانی که بواسطه موقعیت خود از خدمت نظام معاف می باشند حکام شرع مجاز از مراجع تقلید قشور و مدرسین علوم متقول و منقول و پیشنمازان مساجد که از یک سال قبل از تصویب این قانون تصدی شغل امام جماعی بوده باشند

رئیس- بفرمایند

افشار- این قانون عبارت است از ماده ۳۵ ماده آن نظام اجباری عمومی را تجویز میکند ماده ۱۶ تمام آنها را الفاء می کند ببقیه بنده اگر در مملکت ما فقر معارف نبود و سواد اعظم ما را بسوادها تشکیل نمی دادند آن امری بود علیحده ولی با این ترتیب حاضره باید افراد نظامی این مملکت از اشخاصی باشند که تحصیل کرده باشند و معنای حقیقی وطن را به همتند برای اینکه اشخاصی که در عالم تنازع بقا تشخص دادند حق زندگانی و حیات را آنها فقط می توانند برای خود و جامعه شان مبارزه کنند .

کسی که تحصیل نکرده کسی که بکلی مفهوم حقیقی وطن را نفهمیده است تصور می کند که برای پنج شاهی پول اجیر است و باید خدمت کند و البته چنین خدمتی هم مفید به حال مملکت نخواهد بود .

ماده ۱۶ این قانون یک عده از آقایان محصلین را بمناسبت اینکه تحصیل میکنند از خدمت بملکت معاف داشته در صورتیکه می بایستی بهمان دلیل این اشخاص بملکت خدمت نمایند .

همانطور که مجلس قانون نظام اجباری را تصویب می کند یک روزی هم خواهد رسید که قانون تعلیم اجباری و عمومی را هم باید تصویب نماید و در این صورت نمایانم آنوقت تکلیف این قانون چه خواهد بود؟

زیرا ممکن است یک عده زیادی در هر کوره دهی از آخوند ده تصدیق بیاورند که معصل هستند و باید معاف باشند و همینطور عده دیگری که در مدارس تحصیل می کنند بمجرد اینکه قرعه به نام آنها اصابت نمود از رئیس مدرسه تصدیق خواهند آورد که ما اینجا تحصیل می کنیم

لها بموجب همین ماده باید معاف باشند بنا بر این بقیه بنده اگر بخواهم حقیقه اشخاصی که داخل نظام اجباری هستند بطور مفید برای مملکت خدمت کنند باید از اشخاصی باشند که تحصیل کرده اند و باید بدون استثناء تفاوت لباس و ترتیب زندگانی داخل خدمت نظام اجباری بشوند و برای مملکت خدمت نمایند .

البته همانطور که ما استنشاق هوا می کنیم فلان شخص هم که در مدرسه تحصیل می کند با آن حال هر دو بالسویه از هوای این مملکت استنشاق می کنند و بطور تسایر هم در این مملکت حق زندگانی دارند ملت ندارد یک نفر حال با یک نفر دهائی بدبخت که نمی تواند بر خودش را بمدرسه بفرستد و تحصیل علوم دینی و دنیوی به نمایند حکماً داخل نظام بشود ولی آن کسی که می تواند پسرش را بعتبات عالیات یا نقاط دیگر بفرستد معاف باشد جهت چیست ؟ البته موجب نیست لهذا بهتر این است که فقط همان چند نفر اشخاصی را که بواسطه موقعیت آنها که بدرجه اجتهاد میرسد معاف باشند و مابقی بدون استثناء داخل خدمت نظام اجباری و عمومی بشوند .

رئیس- رأی گرفته می شود بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای افشار

آقایانی که قابل توجهش می دانند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای آفاسید بقوب .

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۱۶ در جزء اول عرض کلمه تصدیق شغل الخ نوشته شود . پیشنهاد باشد

رئیس- بفرمایند

آفاسید بقوب - نظر بهمای ترتیبی که خود دولت نسبت بمقام روحانیت و نماز ملاحظه کرده بنده این طور پیشنهاد کردم زیرا پیش نازی که شغل نیست بنابر این بنده عبارت را فارسی کرده ام . امام جماعت نباشد پیش نماز باشد . بجان آن تصدیق شغل بنویسد پیشنهاد .

رئیس- رأی می گیریم پیشنهاد آقای آفاسید بقوب .

آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای مفتی

(این طور خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۱۶ نوشته شود حکماً شرع مجاز به اجتهاد یا فتوی از مواقع تقلید یا فتوی الی آخر .

رئیس- بفرمایند

صدرالسلطنه مفتی - فلسفه معاصرت

حکام شرع مجاز از قانون سرباز گیری برای این است که این طبقه همیشه مشغول بوظایف و تکالیف شریعه هستند و البته این فلسفه هم شامل تمام حکام شرع است شواهد در منصب سمفری و خواه در منصب سنی هر دو طبقه بانجام امور مسلمانان مشغولند و اگر در اینجا کلمه فتوی اضافه نشود اسباب زحمت می شود زیرا در منصب شیعه مجاز در اجتهاد هست ولی در میان اهل سنت نیست و آنها درجه فتوی دارند بنابراین بنده پیشنهاد کردم کلمه فتوی اضافه شود و قاضا میکند چون خللی به مقصود نمی رساند آقای مخبر هم قبول نمایند .

مخبر- قضیه همین است که آقای مفتی فرمودند ولی حالا اگر عبارت قاصر است ممکن است اصلاح عبارتی کرد ولی قصد همین است که فرمودند .

رئیس- پیشنهاد ایشان مجدداً فرات می شود تا عقیده کمیسیون را ببینیم چیست .

(شرح سابق خوانده شد)

مخبر- قبول می کنم

رئیس - پیشنهاد آقایان تجدید و تدین .

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که بیست و اول ماده ۱۶ علاوه شود و همچنین درجه اول از علمای دینی زردشتیان . ارانته و کلیبیان تبه ایران .

مخبر- قبول می کنم .

رئیس- پیشنهاد آقای اسامیل خان قشقائی .

(پتر تیب ذیل خوانده شد)

این بنده پیشنهاد میکنم از ماده ۱۶ قسمت دوم سه بکلمه حذف شود .

رئیس- بفرمایند .

اسامیل خان قشقائی - این را آقای مدرس فرمودند که حکم چهار رادارد بعضی از نمایندگان دفاع خیلی خوب حکم دفاع را دارد و دفاع هم نباید استثناء داشته باشد زیرا اگر استثناء داشته باشد آنوقت بنده هم بچه آدم را وقتی رسید سن نوزده سالگی دودخ پارچه سفید به سرش می بندد .

(همه بین نمایندگان)

(صدای زنگ رئیس دعوت بسکوت)

آقای میرزا ساجده بهبهانی- نام مربوط نکو .

(همه بین نمایندگان)

(صدای زنگ رئیس امر بسکوت)

سلیمان میرزا حقیقت زاده بگوید (همه قیل قال)

رئیس- جلسه را تعطیل میکنم .

(در این موقع جلسه تعطیل و بافصله تکمیل ربح مجدداً تشکیل گردید)

رئیس- آقای اسماعیل خان قشقایی در ضمن توضیحاتی که در ماده ۱۶ می دادند یک عبارتی بیان کردند که پاره ای از آقایان توهم کردند که مقصود ایشان توهین بود ولی بنده همانوقت می خواستم عرض کنم که این توهم با عقاید و نظریاتی که در ایشان سراغ دارم هیچ این توهم موافقت نمی کند و بکلی منافات دارد.

(جمع از نمایندگان- صحیح است)

رئیس- ولی طوری بعضی از آقایان قبل و قال کردند که بنده هر ایشم را مرض کنم و در خارج مجلس هم به بنده توهین می نمودند که به چه وجه قصد توهینی نداشتم و خودشان هم حالا شخصاً توضیحاتی خواهند داد و البته بعد از آن توضیحات آقایان هم فایده خواهند شد.

اسماعیل خان قشقایی - بلی همانطور که فرمودید در خارج مجلس عرض کردم که بنده هیچ قصدی نداشتم رئیس- آقای تین پیشهاد کردند که ماده ۱۶ با کلیه پیشنهادهای ارجاع شود بکمیسیون است.

جمعی از نمایندگان - صحیح مخیر- قبول میکنند رئیس- اگر خودتان تقاضا میکردید لازم برای گرفتن نبود ولی حالا که پیشنهاد کرده اند باید رأی بگیریم آقایانی که این تقاضا را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. ماده هفده بضمون ذیل خوانده شد

ماده ۱۷- محصلینی که در مدارس عالی و متوسطه داخل یا خارجه مشغول تحصیل باشند و پس سر بازی پرسن و فرقه بنام آنها اصابت نماید تا موقع اكمال و اتمام تحصیلات خود از خدمت نظامی معاف هستند.

رئیس- آقای شیریانی شیروانی- مرضی ندارم رئیس- آقای داور رئیس- آقای رضوی رضوی- بنده عقیده ام این است چون این ماده هم راجع به محصلین است خوب است ارجاع شود بکمیسیون **اخگر**- گمان میکنم این ماده هیچ مربوط با آن ماده نباشد اینجا معاف است تا مدت اتمام تحصیل و بعد از آن دیگر معاف نیست **جمعی از نمایندگان**- مذاکرات کافی است رئیس- کافی است (گفتند بلی) رئیس- خطاب به آقای دامغانی

پیشنهادتان را بدهید بیارند آقای دامغانی پیشنهاد کرده اند مراجعه شود بکمیسیون - بفرمائید **دامغانی**- اینجا دو موضوع است که تقریباً بتوانم مقابله ذکر شده: یکی شرح مجاز و یکی هم دارند گان در ایام از مدارس اینها در آن ماده بود که ارجاع شد بکمیسیون هم چنین طلاب مدارس قدیمه عنوان مقابله دارد با محصلین مدارس متوسطه همانطور که طلاب مدارس قدیمه معافیت یا عدم معافیتش معلوم نشود همچناناً این ماده هم باید برود بکمیسیون زیرا این دو ماده باید با هم مساوی باشد و حالا یک زانی در مجلس داده میشود و ممکن است در کمیسیون راجع بطلاب یک رأی برخلاف داده شود بنابراین عقیده بنده این است که باید این ماده هفده و شانزده هر دو برود به کمیسیون

وزیر فوائد عامه - بمقیده بنده بین این دو ماده با هم هیچ رابطه نیست علی الخصوص که در ماده شانزده که مراجعه بکمیسیون شده است اصولاً این مقصود تأمین نشده است یعنی بهر دو طرف تأمید تکمیل و انجام تحصیلات مهلت داده اند و حالا چون ماده شانزده یک مطالب دیگری هم دارد که در هر کدامش باید مطالعه شود مراجعه شد بکمیسیون ولی ماده هفده یکسانه است که از نقطه نظر تفریق و تشویق تحصیل و از لحاظ امکان عملی نوشته شده و در تمام دنیا هم این اصل معمول است بکسانی که در مدارس مشغول تحصیل هستند باید مهلت داد که تحصیلاتشان تمام بشود و این دو ماده هیچ ربطی بهم ندارد

رئیس- رأی گرفته می شود بماده هفده آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد ماده ۱۸ (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۸- مدت خدمت تحت السلاح دارندگان تصدیق نامه رسمی (دیپلم) از مدارس متوسطه داخل یا خارجه یکسال خواهد بود و پس از آن جزء ذخیره محسوب میشود.

رئیس- مخالفی دارد؟ **بعضی از نمایندگان** - خیر رئیس- رأی می گیریم آقایان موافقین با این ماده قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. ماده نوزدهم (بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۱۹- شاگردان فارغ التحصیل مدارس متوسطه که دارای تصدیق نامه رسمی و دیپلمی باشند در صورتی که پس هجده بالغ بشوند می توانند بدون فرجه در احوالیه

داخل خدمت نظامی بشوند پس از یکسال خدمت تحت السلاح جزء ذخیره محسوب خواهند شد

رئیس- مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

رئیس- آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند (مده کثیری قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد ماده بیست (بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۲۰- پس از صدور اوامر وزارت جنگ در باب احضار افراد بخدمت نظامی مأمورین سر بازی کبری یا صاحب منصبان ساختو که برای هر حوزه معین شده اند یا دفاتر مذکور در ماده ۶ برآ کر خود رفته با اطلاع مأمورین کشوری اسامی کلیه افراد ساکن آن حوزه را که واجدین سر بازی شده و یا مشغول ماده ۹ میباشد و با معافیت موقت آنها خانه یافته است اعم از متقیم یا مسافر یا دفتر نفوس تطبیق می نماید که در روز مین بعمل سر بازی گیری و مجلس فرجه دعوت شوند

رئیس- این ماده مخالفی دارد؟ (گفتند خیر)

رئیس- آقایان موافقین باین ماده قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد ماده بیست و یک (بضمون آتی خوانده شد)

ماده بیست و یکم- کلیه افراد مذکور در ماده فوق مکلف میباشد که در موعد در مجلس فرجه حضور بهم رسانند و در عرض مسافرتین و اشخاص علیل غیر قادر به حرکت باید پدر یا برادر یا یکی از اقوام ذکور آنها بنمایند که حاضر شوند

رئیس- چون مخالفی نیست رأی می گیریم

آقای میرزا شهاب - بنده مخالفم رئیس- بفرمائید **آقای میرزا شهاب** در اینجا نوشته شده است کلیه افراد مکلف میباشد که حاضر شوند ولی قیدی نشده است که پس از اطلاع در این صورت ممکن است یک اشخاصی اسمایشان نوشته شود و به آنها اطلاع داده نشود و آنوقت آنها هم حاضر نشوند در وزارت جنگ بنابراین باید نوشته شود

پس از اخطار یا اطلاع به آنها - والا اگر بنا باشد بدون اطلاع باشد این یک تکلیف شاقی است

میرزا آقا - در هر ناحیه اعلان میشود **وزیر فوائد عامه** - این قسمت ها مسائلی است که مربوط به نظامنامه است اگر چه یک قسمت از همین ماده هم مربوط به نظامنامه است ولی بواسطه اهمیتش در قانون گذارده شده است. اما اخطار می

این قبیل چیزها یک مسائلی است که جایش در نظامنامه است و محتاج بذکر در قانون نیست

اصل مطلب همانطور که فرمودید صحیح است

وزیر فوائد عامه - پیشنهاد دارم رئیس- پیشنهاد آقای قائم مقام (باب ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عرض لفظ علیل در سطر دوم مریض نوشته شود

رئیس- بفرمائید

قائم مقام علیل کلیه معاف از خدمت است - اینجا مقصود مریض است علیل کسی را می گویند که بواسطه علت مزاج نتواند خدمت نظامی نماید. ولی این جا مقصود مریض است نه علیل

وزیر فوائد عامه - اصلاً قصد علیل است زیرا تمام این شرایط که اینجا ذکر شده است بایستی در همان مجلس فرجه مورد تصدیق واقع شود و در آنجا رسیدگی کنند بدارک به بینند آباشمول. معافیت است یا نه؟ در این صورت باید علیل هم بایست در مجلس فرجه معاینه بشود البته وقتی که تصدیق کردند علیل است معاف می شود

قائم مقام - بنده پس گرفتم رئیس- آقای زعیم چه بفرمایند زعیم- بنده پس نمی گیرم. فرق است بین علیل و مریض در این مقصود مریض است یعنی کسانی که مریض هستند نمی توانند در مجلس فرجه حاضر شوند و یک کیل میفرستند ولی علیل اشخاص هستند که دائماً یک علت مزاجی دارند و گمان میکنم این جا نظرشان بر مریض بوده که بواسطه ناخوشی موقتی که دارند نمی توانند حاضر بشوند ولی بعد که خوب شدند میتوانند حاضر شوند از این جهت بنده پیشنهاد کردم مریض نوشته شود

وزیر فوائد عامه - بنده نمیخواهم تکرار توضیح کنم علیل اعم است و معنیش بیشتر از مریض است از این جهت علیل بهتر است

رئیس- آقای آقا شیخ فرج الله (اجازه)

آقای شیخ فرج الله - بنده در شق سوم این ماده مخالفم می نویسد: پنج نفر از معارف و معتمدین اهل محل که یکی از آنها از طبقه علمای خواهد بود بتعیین حاکم محل یا رئیس آن کمیسیون حاکم است آنوقت این پنج نفر را هم واگذار میکنند به تعیین حاکم محل برای اینکه عبارت این طور می فرماید پس معلوم می شود طبقات دیگر هیچ حق ندارند پنج نفر صاحب منصب که خارج از مردم هستند

رئیس- بفرمائید **بیانات** - این جا نوشته شده راجع به اشخاصی که مسافر یا علیل هستند و قادر به حرکت نیستند ممکن است پدر یا برادر

یا یکی از اقوامشان را بجای خودشان بفرستند

بنده چون دیدم ممکن است هیچیک از اینها برایش وسالفت فراهم نباشد از این جهت پیشنهاد کردم که اگر شخص خارجی را هم بجای خودش میخواهد معین کند بتواند

مخیر - بنده قبول می کنم

رئیس- رأی گرفته می شود بماده بیست و یک آقای عیسیان نمودند و آقای مخیر هم قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. ماده بیست و دو (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۲۲- برای اجرای عمل فرجه در مرکز هر حوزه سر بازی گیری مجلس مرکب از اعضاء منصفه ذیل تشکیل می شود

۱- حاکم و رؤسای مالیه و بلدیه و نظمیه و امنیه و مدعی العموم محل در صورت نبودن رؤسای ورمحل

۲- پنج نفر صاحب منصب و یک یادو نفر طبیب نظامی بان انتخاب فرمانده ناحیه سر بازی گیری

۳- پنج نفر از مشاکلاتی را که پیدا می شود در نظر بگیرند بهمان دلیل و منطقی که باید حاکم باید انجمن نظارت انتخاب بکند در اینجا هم بطریق اولی حق دارد انتخاب بکند

رئیس- پیشنهاد آقای یاسائی (بترتیب ذیل خوانده شد)

فرقه دوم از ماده ۲۲ اینطور اصلاح شود

۲- دوتا پنج نفر صاحب منصب نظامی باختلاف اهمیت محل (الخ)

رئیس- آقای یاسائی یاسائی- چون حوزه های سر بازی گیری قهرآ کوچک و بزرگ است و یک قسمت مملکت که آبادیش کم است و در گوشه و کنار یک محل هائی است و آنها هم باید افرادش شرکت کنند در دادن سر بازی اگر بخواهند یک همچو مجلس منصفی در آنجا تا تشکیل بدهند که رؤسای ادارات باشند و پنج نفر صاحب منصب هم باشد بمقیده بنده عملی نیست و مشکل است مخصوصاً پنج نفر صاحب منصب از اصفهان بفرستند بده رود یا از شهر بزد به شهر بآبک یا از سمتان پنج نفر یا مثلاً برای دوتا بیست تا سر بازی که می خواهند بگیرند فرجه بکشند آنوقت از سمتان شصت فرسخ هفتاد فرسخ این عددها بفرستند به چند نفر و مجلس فرجه را در آنجا تشکیل بدهند این عملی نیست

بعلاوه برخلاف فلسفه است که در اینجا ذکر شده برای اینکه میگویند معارف

(خنده نمایندگان)

آقای شیخ فرج الله - سهو شده سهو هجرتی که خنده ندارد

بنده معتمد این پنج نفر از معتمدین را که حاکم معین میکنند انتخابش را واگذار بخود اشخاص کنند - از طبقه علمای بان انتخاب خودشان از طبقات دیگر هم بان انتخاب خودشان باشد - باین معنی که حاکم انتخاب کننده نباشد و طبقات مردم انتخاب کنند

وزیر فوائد عامه - عرض میکنم اولاً باید به پیش قصد از طبقات مختلفه چیست؟ این است که آنها شاهد و ناظر باشند که بعداً نگویند ظلم تعدی شده و بلا و خود آقا که عضو انجمن نظارت بوده اند باید این مطلب را در نظر داشته باشند که در موقع انتخابات یعنی در یک امری که صراحتاً امر ملی است اجازه میدهند که حاکم انتخاب کند

بنابر این در مجلس سر بازی گیری که فقط از نقطه نظر نظارت است لا غیر این نمی شود گفت برای انتخاب پنج نفر از طبقات مختلفه مردم بایستد انتخاب کنند یعنی اول انجمن نظارت تشکیل بدهند بعد آراء را استخراج کنند آنها هم برای مجلس که یک ماه وقت دارد و هم بنظر هزار گونه مشکلات دیگر دارد

درست آن مشکلاتی را که پیدا می شود در نظر بگیرند بهمان دلیل و منطقی که باید حاکم باید انجمن نظارت انتخاب بکند در اینجا هم بطریق اولی حق دارد انتخاب بکند

رئیس- پیشنهاد آقای یاسائی (بترتیب ذیل خوانده شد)

فرقه دوم از ماده ۲۲ اینطور اصلاح شود

۲- دوتا پنج نفر صاحب منصب نظامی باختلاف اهمیت محل (الخ)

رئیس- آقای یاسائی یاسائی- چون حوزه های سر بازی گیری قهرآ کوچک و بزرگ است و یک قسمت مملکت که آبادیش کم است و در گوشه و کنار یک محل هائی است و آنها هم باید افرادش شرکت کنند در دادن سر بازی اگر بخواهند یک همچو مجلس منصفی در آنجا تا تشکیل بدهند که رؤسای ادارات باشند و پنج نفر صاحب منصب هم باشد بمقیده بنده عملی نیست و مشکل است مخصوصاً پنج نفر صاحب منصب از اصفهان بفرستند بده رود یا از شهر بزد به شهر بآبک یا از سمتان پنج نفر یا مثلاً برای دوتا بیست تا سر بازی که می خواهند بگیرند فرجه بکشند آنوقت از سمتان شصت فرسخ هفتاد فرسخ این عددها بفرستند به چند نفر و مجلس فرجه را در آنجا تشکیل بدهند این عملی نیست

بعلاوه برخلاف فلسفه است که در اینجا ذکر شده برای اینکه میگویند معارف

و معتمدین محل باید حاضر باشند آنها معارف و معتمدین مجلسان کسان دیگر هستند و شاید هیچ به آنها اطمینان و اعتماد نداشته باشند

لذا بنده پیشنهاد کردم که مجلس فرجه در حوزه های کوچک بفرآخورد اهمیت آن محل تشکیل شود و از دو نفر تا سه نفر باختلاف اهمیت محل بفرستند

زیرا ممکن است دو نفر صاحب منصب را مأمور کرد برون مجلس تشکیل بدهند ولی ۵ نفر صاحب منصب بفرستند برای گرفتن دق نفر سر بازی این خوب نیست

وزیر فوائد عامه - اولاً حوزه های سر بازی گیری قطعاً باید معین بشود و مطابق تقسیمات وزارت جنگ حوزه بندی ها معلوم می شود و علاوه در هر محلی که رؤسای ادارات باشند مثل رئیس بلدیه و نظمیه و مدعی العموم تعیین آن محل لا اقل یک گروهان یک گردان همه هست و صاحب منصب هم از پنج نفر زیادتر است

بنابر این گذاشتن این قسمت در قانون خوبست بهتر این است که پیشنهاد خودتان را مسترد فرمایند

رئیس- رأی می گیریم به پیشنهاد آقای یاسائی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(مده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد. رأی می گیریم ماده ۲۲ آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. چون ظهر است اگر اجازه می فرمایند جلسه را ختم کنیم

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس- بقیه مذاکره میماند برای روز سه شنبه

جمعی از نمایندگان - صحیح است

مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا

منشی- شهاب

منشی- دکتر احتشام طباطبائی جلسه ۱۷۸ یکصد و هفتاد و هشتم صورت مشروح مجلس یوم شنبه شانزدهم خرداد ۱۳۰۴ مطابق چهاردهم ذی القعدة سنه ۱۳۴۳ مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای آقا سید حسینخان پیرنیا تشکیل گردید (سورت مجلس پنجشنبه چهاردهم خرداد را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس- آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی- بعد از صورت مجلس عرض دارم

رئیس- آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری- قبل از دستور عرض دارم

رئیس- آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - قبل از دستور عرض دارم

رئیس- آقای بهار (اجازه)

بهار- قبل از دستور عرض دارم

رئیس- نسبت به صورت مجلس ایرادی هست یا نه؟ (بعضی گفتند خیر)

بعضی از نمایندگان- داخل دستور شوریم

رئیس- دستور قانون نظام اجباریست ماده بیست و سوم مطرح است (ماده ۲۴ بشرح ذیل قرائت شد)

بیست و سوم- ریاست مجلس سر بازی گیری بعهده حاکم محل و نظارت آن با نماینده ارشد نظام و مسئولیت مشترک متوجه کلیه اعضاء آن خواهد بود

رئیس- مخالفی دارد؟

آقا سید یعقوب- بنده خواستم یک سئوالی از آقای وزیر فوائد عامه بکنم رئیس بفرمائید آقا سید یعقوب

اینجا نوشته است ریاست مجلس سر بازی گیری بعهده حاکم محل و نظارت آن با صاحب منصب ارشد قشونی محل - چون در قوانین سابق مانا نظر نداشته ایم فقط معاونت داشتیم ریاست داشتیم اما ناظر تابعال در قوانین نبود خواسته به بین این تغییر که در اینجا شده از چه جهت است

وزیر فوائد عامه- البته مقصود این است که چون این کار کار نظامی است صاحب منصب ارشدیکه آنجا هست نظارت دارد و الاست رسمی نیست

رئیس- رأی می گیریم بماده بیست و سوم آقایان موافقین قیام فرمایند (مده کثیری قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. ماده بیست و چهارم (بترتیب ذیل قرائت شد)

ماده بیست و چهارم- در روزیکه برای سر بازی گیری معین شده مجلس مزبور در محل معین شده رسماً افتتاح خواهد شد و مجلس مزبور علنی بوده مردم می توانند بعنوان تماشاچی حضور بهم رسانند بدون اینکه حق مشارکت در مذاکرات مجلس را داشته باشند

یک نفر از نمایندگان- شرکت باید باشد نه مشارکت

رئیس- مشارکت را تبدیل بشرکت میکنیم غیر از این دیگر ایرادی نیست؟ (گفتند خیر)

خودشان بکنند و آنها را تحت سلاح بیاورند باید مثلا آنها را بشناسید و بدانید در هر نقطه عده شان چقدر است و پانزدهم باید مثلا قانون سرجل احوال را اجرا کنید و چون مملکت محتاج به نظام اجباری است همان احتیاج و ادار خواهد کرد قانون سرجل احوال هم اجرا شود و باین ماده دو قانون را ما اجرا خواهیم کرد (بعضی گفته اند مذاکرات کافی است و بعضی کافی نمی دانستند رئیس - رأی می گیریم به کفایت مذاکرات آقایان که تصویب می کنند قیام (اکثر قیام نمودند) رئیس - اکثریت است (پیش نهاد آقای تدین به شرح ذیل قرائت شد) پیش نهاد می کنم ماده سی و پنجم به طریق زیر مقرر شود ماده ۲۵ - در هر حوزه که قانون سرجل احوال اجرا شود قانون خدمت نظام اجباری اجرا خواهد گردید و پس از اجرای این قانون در هر قسمت از مملکت اصول بنیحه نسبت بان تمام می شود رئیس - آقای تدین (اجازه) تدین - پیش نهاد بنده از نقطه نظر اصلاح ماده است و این قسمت اول ماده که نوشته دولت مکلف است قانون سرجل احوال را هر چه زودتر در تمام مملکت اجرا نماید بنعیده بنده این لازم نیست در قانون نوشته شود زیرا هر قانونی را که مجلس تصویب کند وظیفه دولت این است آن را اجرا نماید توصیه که نباید کرد این قسمت را چون در قانون نوشتن صورت توصیه دارد باید حذف گردد وزیر فواید عامه - قسمت اول ماده از نقطه نظر تأکید در تسریع اجرای این قانون بدینست گواینکه حتماً رومی ندارد ولی چون از نقطه نظر اصل ماده هم ضروری ندارد لهذا ما این قسمت را باقی گذاریم و به عقیده من همین طور که هست باشد بهتر است رئیس - عقیقه کسب کسب چیست؟ مغیر - رأی بگیریید رئیس - آقایان که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد پیش نهاد دیگر (شرح ذیل خوانده شد) پیش نهاد شاهزاده حیدر قلی میرزا حشمتی - ماده سی و پنجم را اینطور پیشنهاد می کنم دولت مکلف است وسائل اجرای این قانون را هر چه زودتر فراهم نموده و تا اول

قورودین ماه آتیه اصول بنیحه بکنی ملنی خواهد بود حشمتی - این قانون سرجل احوال را که در این جا نوشته اند بطوری که آقای تدین پیشنهاد کردند بنده مقتضی میدانم است این جا باشد چون این قانون را دولت خودش بایستی اجرا کند و قانون سرجل احوال را هم اجرا خواهد کرد هم از نقطه نظر خود آن قانون هم از نقطه نظر این قانون و مساله سرباز بنیحه (که تولید یک اشکالات فوق العاده در مملکتی کرده و خاطر دولت بهتر مستهضرات) این قانون باید هر چه زودتر ملنی شود که مردم از این حیث اقل راحت شوند و تا ده ماه دیگر وقت هست و دولت البته می تواند تا ده ماه دیگر وسائل اجرای این قانون را کامل فرام کرد در هر جا که خود این یک تأکیدی است برای اجرای این قانون و بنده معتقدم ماده دیگر کافی است این قانون اجرا شود اصول بنیحه اجرا شود مغیر - البته شاهزاده حشمتی از وضعیت مملکتی اطلاع دارند و با این عرض و طول مملکت ما بیایم دولت را ملزم بکنیم که ما بایست قانون سرجل احوال تا ده ماه دیگر حتماً مجری شود این کار مشکلی است و با جدیت فوق العاده که دولت دارد البته خیلی عجله اش بیشتر خواهد بود برای اجرای این قانون و همین طور که بنیحه برای مردم اسباب زحمت است برای دولت هم اسباب زحمت است و البته همین که این قانون گذشت البته هر چه زودتر اجرا خواهد شد و نمی شود قانون مقید کرده ماه طول بکشد اجرا شود البته این کار سرعت جریان پیدا خواهد کرد و بنده تعجب می کنم از این که دولت را محدود کنیم حشمتی - می خواهم توضیح عرض کنم رئیس - دیگر نمی شود آقایانی که پیشنهاد آقای حشمتی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قبلی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد پیش نهاد آقای دامغانی قرائت می شود (شرح آتی خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم ماده ۳۵ دولت پس از یکسال در تمام این مملکت بطور متساوی اجرا کند و اصول بنیحه را ملنی نماید رئیس - بفرمائید دامغانی - اساساً اصل بنیحه قابل دوام نیست زیرا محل های بنیحه اغلب خالی و کم چه می شود در آن محل ها اغلب فقرا و اشخاص بی بضاعت هستند آقایانی که در محل ولایتشان گرفتار سرباز بنیحه هستند تصدیق فرمایند بنده را می کنند دولت هم همین نظر بود و اسطه این که اشکالات بنیحه را در نظر گرفته می دانند که بنیحه اصولاً قابل اینکه ارتش سرباز گرفته شود

نیست باین جهت قانون نظام اجباری را آورده که حکم بطور نساری در تمام مملکتی اجرا شود هیچ فلسفه و قضیاتی برای یک عده نیست که مستخدم یک عده دیگر باشند و یک عده مخوم باشند پس برای اینکه در نتیجه سرباز گرفتن عملی نبود دولت در نظر گرفت و قانون نظام اجباری را آورد حالا این ماده که این جا نوشته شده است باز حق تبعیض داده و گفته است هر جا که قانون سرجل احوال اجرا شد آنجا باید قانون بنیحه الفاء و نظام اجباری اجرا شود بنده تصدیق می کنم که امروز بنیحه در تمام مملکت اجرا کرد زیرا اگر الان ملنی کنیم رشته نظام بکنی گسیخته میشود و بدون اجرای سرجل احوال هم نمی شود نظام اجباری را عمل کرد و سرجل احوال هم البته مقدم است لکن دولت باید تسریع کند در اجرای قانون سرجل احوال که در ظرف یک سال مقدمات آن درست و عملی شود و پس از یکسال یک مرتبه تمام بنیحه الفاء و نظام اجباری در تمام مملکت بطور عملی اجرا شود و هیچ عده مستخدم عده دیگر نباشند وزیر فواید عامه - همانطور که خود آقای تدین فرمودند تصدیق کردند که برای اجرای قانون نظام اجباری اجزای قانون سرجل احوال لازم است در همان حال که ممکن است عمل در تمام ایران قانون سرجل احوال زودتر از یکسال اجرا شده باشد با نتیجه قانون نظام اجباری هم زودتر از یکسال در بعضی ولایات اجرا شده باشد در همان حال در قانون نمی شود مدت تعیین کرد یکسال یا چهار ماه یا پانصد ماه هر چه مدت در قانون تعیین کنید غلط است زیرا مملکت ما خیلی عریض است و بالاخره هر قانونی هم اجرا می شود باین مدت تجاوز کرد تکلیف چیست باینرا این نباید فراموش کرد که قانون نظام اجباری بواسطه جدیت و میل مفرط شخص رئیس دولت وضع شده و همان میل مفرط شخص رئیس و شاید دولت در ظرف مدت کمتر از یکسال هم قانون سرجل احوال را هم اجرا کند ولی غلط است

رئیس - مضافی نیست؟ (گفته شد) رئیس - آقایانیکه این ماده ۳۶ را قبول می کنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) رئیس - تصویب تصویب شد ماده الهاقیه پیشنهاد آقای آقا سید مقرب (شرح ذیل خوانده شد) ماده الهاقیه را پیشنهاد می کنم دولت پس از تصویب این قانون در ظرف ۳ ماه شروع با اجرای قانون اول در هر کز خواهد نمود آقا سید مقرب - گرچه در ضمن بیان آقای وزیر فواید عامه در جواب آقای دامغانی مطلب استفاده شد که شروع با اجرای این قانون بعد از قانون سرجل احوال خواهد بود و مسلماً قانون سرجل احوال اسباب جریانش در مرکز زودتر فراهم است تا در ولایات پس فورا اول شروع خواهد شد بنده برای اینکه توجه بدهم خاطر آقایان و هم رئیس محترم دولت را که حقیقه باید شریها هم در خدمت مملکت وارد بشود و اول این مسئله از مرکز شروع شود و در مرکز هم ما جوانهای زحمت کشیده زیاد داریم این بود که بنده پیشنهاد کردم که اول دولت از مرکز شروع کند و آن وقت ده یا بیست هزار قشون از اینجا تبعیه می شود و این رعایای بیچاره بروند و رهیتی شان و بحد الله امور ما محتاج به زحماتی نیست و بواسطه زحمات دولت وقت امنیت برقرار است ولی قشون الان میخواهد قدری راحتی داشته باشد و بهتر این است که از مرکز شروع شود و این قشونی که هست بروند شمول رعیتی شان بشوند این است که این پیشنهاد را کردم که اگر مغیر - در این قانون ملاحظه کردند که اجرای آن موکول شده است با اجرای قانون سرجل احوال یعنی هر جا که قانون سرجل احوال اجرا شد دولت شروع به اجرای این قانون در همان محل خواهد کرد و دیگر لازم نیست نوشته شود بعد از ۳ ماه و این ماده الهاقیه گمان نمیکنم لزومی داشته باشد آقا سید مقرب - اسرار داد می کنم رئیس - پیشنهاد آقای دکترا آقایان (شرح ذیل خوانده شد) ماده الهاقیه ماده مقدماتی است که در این قانون است که سگای دائمی آنها در ایران باشد و مستخدمین از هر قبیل که بوجوب ماده ۱۰ برای مشق حاضر می شوند خدمت آنها محفوظ خواهد بود دکترا آقایان - حقا این اصلاح ماده ۱۰ است و بیبایستی در ماده ۱۰ ذکر شود ولی آن وقت بنده در پیشنهاد کردم لذا حالا پیشنهاد کردم در ماده ۱۰ افراد

ذخیره مقدم و افراد ذخیره تالی هر سه سال در حوزه خود برای قدرت یک ماه مشق نظامی باید حاضر شوند بعد هم ماده ۳۳ پیش بینی میکند که هر یک از افراد ذخیره که در مواقع اضطرار برای مشق نظامی بدون حضور حاضر شوند پس از ثبوت تقصیر آنها در محکمه نظامی از یک ماه تا ۳ ماه محکوم می شوند خدمت نظامی باید بطوری نباشد که اسباب زحمت فراهم کند در قوانین سایر نظامها هم کمتر قوانین هستند که اینها را دارا نباشد ولی آنهاست که این ماده را دارند و در نکته را هم که مخصوص این ماده است باید دارا باشند یکی اینکه اشخاصی که هر دو سال یا سه سال یکبار تبعیه برای مشق حاضر میشوند باید فقط آنهاست که سگای دائمی ایشان در مملکت باشد چرا برای اینکه ممکن است یک جوان ایرانی در فرانسه یا آمریکا مستخدم باشد در موقع خدمت نظامی بر میگردد و ایران و بعد از دو سال خدمت مجدداً می رود سر کارش و در آنجا یک کاری دارد و با تجارت یا کار دیگر آنوقت این شخص نمیتواند دو سال یکبار تبعیه از آمریکا بیاید و ایران و یکبار خدمت کند و اگر بیاید اسباب زحمت آن شخص میشود و اگر قیام بنیحه ماده سی و سه اسباب محکومیتش فراهم میشود از این نقطه نظر آنها را باید معاف کرد و از طرف دیگر وقتی که بنده مطابق قوانین مملکتی هر سربازی هر دو یا سه سال یکبار تبعیه مجبور شود که برود سر خدمت نظامی اگر آن شخص مستخدم باشد استخدام و محل خدمت و حقوق او باید محفوظ باشد اگر محفوظ شود این همه اسباب زحمت مردم را فراهم نمی آورد و اگر محفوظ نباشد اسباب زحمت میشود و هر دو سال یکبار تبعیه باید مجدداً پنججاه باشد اما این یکسال یکبار برگردد تا کار پیدا بکند این قانون نظام اجباری که در سوسیس بموقع اجرا گذارده شد یک تبصره هم دارد که میگوید کلیه اشخاص که مستخدم هستند و بوجوب این قانون باید یکسال یکبار در مشق حاضر شوند خدمت آنها محفوظ است یعنی اگر شخصی متلانو کر است یا شاگرد در قانون است وقتی برای خدمت نظام می رود خدمت خودش محفوظ است همینطور اگر معلم است یا اگر تاجر است مجدداً باید سر کار خودش برود مغیر - مذاکراتیکه آقا کردید البته با آن سوابقی که دارید تصدیق میفرمایید سکه نمی شود

اینجا نظامنامه سگای مسائل سرباز - گیری را در مجلس آورد اینجا تصریح میکند که اجرا این قانون بوجوب نظامنامه که در وزارت جنگ تهیه میشود خواهد بود و البته اشخاصی که یک تربیت و موعضی باید برایشان معین شود یا باید به آنها اخطار شود یا کمی باید اخطار کند اینها را جزو وزارت خانه معین خواهد کرد دیگر اینکه میفرمایند اشخاص سابقه خدمتشان محفوظ باشد اینجا که مامنی قوانین داخل کنترات اشخاص شویم خود آن اشخاص هر جا که نوکر هستند و سگای دارند و زحمت میکنند یک کنتراتی دارند و مطابق آن کنترات رفتار می کنند ما اگر بخواهیم در این قانون داخل در این جزئیات بشویم هیچ مورد ندارد اینها را باید گذارد برای یک نظامنامه مفصلی که بعد تدوین خواهد شد رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای دکترا آقایان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفر قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد ماده الهاقیه پیشنهاد میشود در موقع تجویزات عمومی نمایندگان مجلس شورای ملی مشمول این قانون نخواهند بود داور - دو مرتبه قرائت بکنند (مجدداً بشرح فوق قرائت شد) طهرانی - البته موقع تجویزات عمومی موقع جنگ است احتیاج مملکتی در آن موقع مجلس شورای ملی گمان نمیکنم بقدر تمام افراد نظام باشد مملکت محتاج میشود بوضع یک مالیات نوری برای تقویت نظام محتاج میشود بوضع یک قوانین نوری که در آن موقع محتاج الیه عموم است اگر بنا باشد در آن موقع کلاد زحمت تجویزات عمومی باشد آنوقت مجلس نیست قوانینی را که برای مملکت لازم است وضع کند و بملت پیشنهاد میکند و ملت محکوم باشند با اجرای موادی که در آن موقع درست میشود نه اینکه بگوئیم و کلاه یک اختصاصی از سایرین دارند بلکه و کلاه در موقع جنگ و تجویزات عمومی بیشتر مکلف هستند که تحت سلاح بروند زیرا مقدم بر سایرین هستند لکن گاهی از اوقات یک اتفاقی می افتد که باید مجلس شورای ملی باشد مادر جنگ بین المللی مجلس شورای ملی در مسالکی که اغلب جنگجو بودند همه وقت حاضر بودند وضع قوانینی می کردند نظریات خودشان را پیشنهاد میکردند موقع جنگ موفقی است که دولت روز و زحمت جنگ بداشتن

مجلس شورای ملی در آن موقع خیلی اهمیت خواهد داد و وقتی که اینطور نباشد آن وقت یک نتیجه که از مجلس در آن موقع میخواهند نمی توانند بگیرند از این جهت این پیشنهاد را کردم مغیر - تصور میکنم آقای طهرانی یک پیش بینی هائی کردند ولی البته در یک چنین مواقعی و کلاه باید شامل حال موکلین باشند در سایر مسالک که آقا فرمودید اغلب اگر وقت بکنیم بنیحه در پارلمانها یک یاد گاری ها بافتخار و لائلی که شهید شده اند در راه مملکت هست آنها هم برای مملکت خودشان گشته میشوند و تصور میکنم این پیشنهاد را خودشان پس بگیرند بهتر است رئیس کسانی که ماده الهاقیه آقای طهرانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفر قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای قائم مقام هم رد شد ماده الهاقی آقای آقا شیخ جلال (شرح ذیل خوانده شد) هر کسی که تصدیق نامه دو سال خدمت نظامی را درست داشته باشد در صورت دارا بودن شرایط استخدام بر دیگران مقدم و بدون استثنای خدمت دولت پذیرفته میشود آقا شیخ جلال - بنده تصور میکنم ماده شانزدهم رفتم اشخاصی را که حقیقتاً یک زندگانی دارند اینها را مستخدم ادارات می کند و فقط بانی ما منحصراً میشود یک عده اشخاص که ابتدا نمی توانند کار بکنند بنا بر این برای اینکه لائق آقایانیکه خیلی علاقه مندهند با استخدام ادارات آنها هم قسمی پیش بروند این پیش نهاد را کردم و خیال میکنم برای نظر عمومی که شرکت تمام اشخاص در نظام باشد این پیش نهاد مفید باشد دیگر بسته است بنظر آقایان رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قبلی قیام نمودند) رئیس قابل توجه شد ماده الهاقیه پیشنهادی آقای یاسانی (اینطور قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم ماده الهاقیه ذیل را

روی بنیحه آمده اند و دو سال اجباراً سرباز شده اند و مدت خدمت تحت اصلاح را با انجام رسانیده اند دیگر حالا که قانون نظام اجباری تصویب میشود از قرعه معاف باشند و مثل همان داوطلبان رئیس - آقایانیکه این ماده الهاقیه را قابل توجه میدانند قیام فرمایند عده کمی برخواستند رئیس - قابل توجه شد ماده شانزدهم بعضی از نمایندگان - تنفس - بعضی مغایر بودند) رئیس - آقایانی که تعطیل چند دقیقه جلسه را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغاب قیام نمودند) رئیس تنفس میشود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از تسامات مجدداً تشکیل گردید) رئیس - ماده شانزدهم که بکنیم سرباز مرافقه شده بود و خبرش در روز نوزیع شده مطرح است (شرح ذیل قرائت شد) ماده ۱۶ - کسانی که بواسطه موفقیات خود در خدمت نظامی معاف میباشند حکام شرع مجاز باجتهاد یا قاضی مراجع تقلید یا قاضی و علمای درجه اول مذاهب زرتشتی و کلیسی و مسیحی - و مدرسین علوم معقول و منقول ۲ - دارندگان تصدیقنامه (دیپلم) از مدارس عالی داخله یا خارجه ۳ - طلاب علوم دینی که در مدارس قدیمه تحصیل نمایند اعم از اینکه در مدارس مزبوره ساکن باشند یا نباشند در صورت اصابت قرعه بنام آنان و واحد بودن شرایط ذیل در مدت تحصیل و داشتن تصدیق اجتهاد پس از تحصیلات از خدمت نظام معاف میباشند ۲ - داشتن اشتغال جز به تحصیل و داشتن تصدیق نامه طلبگی از مدرس و متولی مدرسه که فقط اشتغال به تحصیل دارند بدادن امتحان سالانه مطابق در حالیکه طلاب تحصیل میکنند از مقدمات بیالو رئیس تبصره هم جدید از طرف کمیسیون رسیده قرائت میشود (اینطور قرائت شد) تبصره ذیل بقسمت ماده ۱۶ پیشنهاد میشود هیئت متعنه را دولت از بین متخصصین معین خواهد کرد رئیس - آقای آقا میرزا شهاب (اجازه) آقا میرزا شهاب - بنده داخل در اصل موضوع که خاصه از اولیاء خدا چه کسانی هستند و وظائف سنگینی متوجه چه کسانی هست نمی شویم یک اشکالاتی در این ماده داشتم که بطور اختصار تصور آقایان عرض میکنم و آن این بود که موخاستم با اصطلاح کلیها تحریر محمل نزاع معلوم شود که محل اختلاف چیست؟

برق آرنیست اگر مالیات را توجه بهمیم به هم مالک همانطور که گفته شد ظلم میشود باهالی.

در صورتیکه مقصود آقایان این است تعدیلی بشود که رفع ظلم بشود چنانکه الان در آن قسمتی که بنده و کبل آنجاهستم خیلی ظلم می شود بنده از نقطه نظر حوزه و کالای خود ناگزیرم اینجا از آقایان استعانه نبرده و استدعا کنم و بگویم آقایان ظلم می شود.

برای اینکه تقسیم زراعتی این یک طور است اگر این مالیات وضع شود ظلم فوق العاده نسبت با آنها می شود در سمنان صد خروار تقسیم میکنند چهار خروار ۲۰ خروار مال مالک است ۲۰ خروار مال رعیت و تمام بخارج کاوونبر راه مالک می دهد) خواهش منم آقایان وقت برایش بنده بر میماند) آنوقت دولت مطابق این تقسیم از سهم مالکانه مالیات میبرد چقدر؟ ۷ خروار و ۰۰ من در همدان یا اصفهان یا نقطه دیگر و تقسیم مالکانه ۳۰ قسمتی است ۳۳ خروار از سهم مالک می شود این مالک می دهد از صد خروار و سی من سمنانی از صد خروار باید بدهد ۷ خروار و ۰۰ من.

این چه بی عدالتی است؟ آخر میخواهد تعدیل بکنند در دامغان تقسیم صد خروار ۲۰ خروار است این باید مالک بدهد ۸ خروار در یک نقطه دیگر که اینجا هم ۳ کوت است باید مالیات بدهد ۴ خروار و ۳۰ من در حقیقت این یک ظلم فاحشی است این از روی حساب و همداد است واضح است.

دولت هم این تحقیقات را کرده است و خود بنده هم صورت تقسیمات زراعتی را از نالی گرفته ام.

در تمام مملکت اختلافات زیادی من جمله همان نقاطیکه ترتیب تقسیم زراعتی را عرض کردم آن وقت چطور می شود گفت که یک مالک از صد خروار و سی من بدهد و یکجا ۷ خروار و ۰۰ من و دیگری کمتر یا بیشتر بدهد.

کازرونی - یک مالک هم باید یک خروار بدهد.

یا سانی - بلی ممکن است اینطور هم باشد دیگر از چیزهایی که مورد نظر بنده است همان مسئله است که باز آقایان دامتانی فرمودند راجع به هم تفاوت بین فئات ورود آب.

در راپورت دوره چهارم اگر آقایان مراجعه کرده باشند این تفاوت منظور شده بود چون چشمه سازمخارجی ندارد ولی تفاوت مخارج زیاد دارد.

چطور می شود بکنوع مالیات پاینها بست.

یکی دیگر از چیزهایی که فوق العاده

طرف توجه من است مسئله مالیاتهای جنسی نقدی است.

بنده بطور کلی مخالف با مالیات جنسی هستم و بیشتر از مطالبی که آقایان از پس شکایت میکنند و یا از طرف موکلینشان شکایت می شود بواسطه مالیات جنسی است اگر سالی سه چهار خروار مالیات جنسی وصول شود یک مخارج فوق العاده هم بمالیه تحویل میشود و این شکایات عرض و طویل مالیه در ولایات بیشتر مربوط به مالیات جنسی است.

فلان دهقان باید ۵ من مالیات جنسی بدهد این بیچاره از هشت فرسوخده فرسخ ۲۰ فرسخ و جش را وارد میکند و چهار یک ترضیقات و اشکالاتی میشود.

مثلا عصر ۵ شنبه آقای دهقان آمده است شهر آقایانبار در وقت ندارد و زوجه هم تعطیل است.

روز شنبه باید برود جنسش را تحویل بدهد آنوقت چقدر این شخص باید بمطل شود.

چقدر تحصیلدار ها صدمه می زند از راه وصول مالیات جنسی بر دم و بلا مخرج اینهم خیلی زیاد است که از جمله مخارج انبارداری است و دولت ناچار است برای هر قسمت کوچکی انباری تهیه کند البته مخارج دارد.

آنوقت در تحویل گرفتن جنس هم یک ترضیقاتی متوجه دهاقین و ملاکین می شود و یک مخارجی هم متوجه دولت میشود از حیث حقوق تحصیلداری انبارداری و غیر ذلک.

بعلاوه دولت غالباً محتاج بیک وجوه نقدی است و محتاج کاو و جو و گندم نسبت به همان قسمتی که جنس وقتی در دست دولت است دارد همان قسمت را هم در موقعی که پیش رعیت است دارد فرق نمی کند وقتی ما گفتیم در طهران جنس خرواری ۲۵ تومان است اینجا در موقع میزری تسعیر میبکند به ۲۵ تومان و در سیستان هم که مبلغ تسعیر می کند میبرد از نده و مالیه هم در وصول آن چندان دچار مشکلات نمی شود در اینجا یک چیزی که بنظر بعضی آقایان میرسد این است که اداره ازران طهران باید برای شهر گندم فراهم کنند صورتیکه این جنس یک قسمتش مال خالصجات است خالصجات دولت بدهم با هم خواهد بود از بعضی جاهام که پول می دهند جنس میخرند در این صورت ممکن است دولت از این هم جنس برای اداره ازران خریداری نماید ولی در طهران وصول و ارسال مالیات و طرز پرداخت مالیات تسهیلاتی پیدا میشود.

این است که بنده بکلی مخالف مالیات جنس هستم و خسارت آن را برای دولت خیلی می دانم و اگر افران تصور نشود

عرض میکنم چنانچه مالیات جنسی را تبدیل مالیات نقدی کنیم یک سهم مالیات مبلغ یک خروار از بودجه مالیه کسر خواهد شد.

یک خروار بودجه مالیه برای این است که مالیات جنسی است و اگر نقدی شود سهولت مالیات وصول میشود آقایانی که در ولایات گرفتار مالیه بوده اند می دانند؟ ترتیب پرداخت مالیات جنسی چقدر اشکالات دارد.

دیگر از چیزهایی که خیلی منظور بنده است و ناگزیرم عرض کنم این است که در بعضی از نقاط مملکت استعداد آب و زمین و هوا خوب است زراعت خوب به عمل می آید در یک قسمتهای بزحمت و زحمات و تعبیر زراعتی را بعمل می آورند یعنی یک کسی پول میدهد کوت میبرد و خرج میکند نایک عوایدی پیدا میکند یک جاهایی هم هست مثل اراضی منی فارس و غیره و در اینجاها شاید زراعت خیلی طبیعی و خوب بعمل می آید.

شاید تخمی صد تخم صد تن بچاه تخم عمل می آید ولی جاهایی هست که رعایا و خورده مالکین خیلی زحمت میکشند و تخمی پنج تخم هفت تخم و هفت تخم بیشتر بعمل نمی آید.

اینجا هم بقیه بنده تفاوت نسبی است و باید فرق قائل شد مثلا در جریب ملک است بهلوی یکدیگر یکجریب مال یک مالکی است که ابداً مخارج جریب برای گذندن آن نمیدهد و کود هم نمیدهد.

فرصاً عایدش در سال صد تومان است یکجریب زمین بهلوی آن زمین است با همان آب هم مشروب میشود و ضعیف در حلیش هم همان است ولی مخارج آن زیادتر می شود.

دهقان هم بیشتر زحمت می کشد عملیات زراعتی آن هم بیشتر می شود در مقابل صید تومان عایدش میشود آنوقت شما از آن صید تومان و از این صد تومان یکطور مالیات بگیرند؟

در صورتی که آن صید تومان عایدی نتیجه عمل دهقان است پس باید مخارج او را بیشتر منظور کنند رعایت کار دهقان را هم بیشتر بکنند زیرا هم کار و زحمت دهقان بیشتر بوده و هم مضاراج مالک.

شما در اینجا تفاوتی نگذاشته اید و گفته اید با سوه صدی فلان ببرد از نده دیگر که در مالیات تصاعدی منظور نظر بود که آقایان یک قسمت زیر بار نمی رفتند.

این بود که در آنجا رعایت حداقل و اکثری شده بود و گفته می شد از هزار تومان بیلاهر کس قدر عایدی دارد و صدی فلان قدر بدهد و از هزار تومان بیابین معاف است بنده نمی فهمم فرق بین تاجر و مالک

چست؟

فوق بین فلان کسب و فلان کسب و فلان دهقان و خورده مالک چیست؟

همان تفاوتی که میفرمایند آنجا رعایت کنیم و می گفتیم نایک اندازه باید معاف باشد در قسمت خورده مالکین و دهاقین هم باید رعایت شود.

ما میفرماییم آن لایحه را در مجلس بگذرانیم و بالاخره یک حداقلی را هم در آنجا معاف خواهند کرد.

بنده عقیده ام این است که (حالا بنده خیلی کم میگویم) هر کس در سال عایدات مالکانه اش از پنجاه تومان بیشتر نیست او را معاف کنند.

یک خورده مالکی که بزحمت زیادی در سال پنجاه تومان عایدی مالکی دارد و انصاف نیست که یک تعمیم مالیاتی با بوی بکنیم که او را مطابق کنیم با کسی که یکده بزرگ دارد.

همان نظری که در قانون تصاعدی داشتیم در اینجا هم باید اعمال کنیم و یک قسمتی از خورده مالکین را معاف کنیم.

اینجا هم بقیه بنده تفاوت نسبی است و باید فرق قائل شد مثلا در جریب ملک است بهلوی یکدیگر یکجریب مال یک مالکی است که ابداً مخارج جریب برای گذندن آن نمیدهد و کود هم نمیدهد.

فرصاً عایدش در سال صد تومان است یکجریب زمین بهلوی آن زمین است با همان آب هم مشروب میشود و ضعیف در حلیش هم همان است ولی مخارج آن زیادتر می شود.

دهقان هم بیشتر زحمت می کشد عملیات زراعتی آن هم بیشتر می شود در مقابل صید تومان عایدش میشود آنوقت شما از آن صید تومان و از این صد تومان یکطور مالیات بگیرند؟

در صورتی که آن صید تومان عایدی نتیجه عمل دهقان است پس باید مخارج او را بیشتر منظور کنند رعایت کار دهقان را هم بیشتر بکنند زیرا هم کار و زحمت دهقان بیشتر بوده و هم مضاراج مالک.

شما در اینجا تفاوتی نگذاشته اید و گفته اید با سوه صدی فلان ببرد از نده دیگر که در مالیات تصاعدی منظور نظر بود که آقایان یک قسمت زیر بار نمی رفتند.

این بود که در آنجا رعایت حداقل و اکثری شده بود و گفته می شد از هزار تومان بیلاهر کس قدر عایدی دارد و صدی فلان قدر بدهد و از هزار تومان بیابین معاف است بنده نمی فهمم فرق بین تاجر و مالک

کدام جواب آقای دامتانی نبود

لهذا بنده آنها را تکرار کرده خواهم میبکنم آقایان بیشتر توجه کنند.

مخبر - بنده استدعا میکنم آقایان جواب فرمایشات ایشان را عرض میکنند درست دقت فرمایند تا دیگر محتاج بتکرار نشوم.

اول جواب فرمایش آخر ایشان را میدهم تا برسیم باولش یکی اینکه در آخر اظهار فرمودند که نظریات بنده در مجلس وکیل ندارند هیچوقت طرفدار هم ندارند بنده بین دهاقین و زارعین بین مالک خورده مالک هیچ تفاوتی نمی گذارم و آقایان را هم وکیل عموم میدانم و اما راجع بتفاوت بنده هیچ دلیل زیادی نمیخواهم اما سر بکنم جزمین فرمایش خودتان که در طی این مسئله فرمودید و یاد داشت کردم.

فرمودید بیشتر مملکتی خورده مالک است و عقیده جنابهای این است که قسمت بیشتر مملکت مالیات ندارند اگر آنها ازمائیت واز تمام چیزهای جنوب مملکت استفاده میکنند چه عیب دارد که مالیات هم بدهند آن کسی که هزار تومان عایدات دارد بقدر هزار تومان خرج دارد و منحصراً عملیات میشود آن کسی هم که پنجاه تومان عایدات دارد بانده پنجاه تومان باید متحمل شود.

پس بنده خودم وکیل دهاقین هستم و حاضر مدلل بدارم که هر کدام عایدات وارند باید بانده عایداتشان مالیات بدهند.

مالیات تمیض بر دار نیست مربوط به مالیات بر عایدات هم نیست آن را هم انشاء الله وقتی مجلس آمد و از کیسیون آوردیم دلالتش را در آنجا عرض خواهم کرد.

اما راجع بقسمت تفاوت زراعت که فرمودند یکی خوب رعیتی میکند و یکی بد رعیتی میکند خوبست دولت از آن کسی که خوب رعیتی می کند یک چیزی کمتر بگیرد و از آن که بد رعیتی میکند زیادتر بگیرد یعنی بمباره آخری اینطور فرمودید که آنکه عایداتش بیشتر است مالیات کمتر بدهد و آنکه عایداتش کمتر است زیادتر بدهد و فلسفه اش را هم که فرمودند این بود که یک کسی زحمت میکند و محصول را بهتر صل می آورد باید تشویق کرد اما همه جا اینطور نیست و محلی را هم که مثل زدن با آن محل انتخاب خود حضرت تعالی ابتدا شینه نیست و اگر تمام رعایای آن تمام شبانه روز خودشان را زحمت بکشند ممکن نیست محصولی که در گرمسیر فارس عمل می آید در سمنان جنابهای عمل بیاید اصلاً طرز عمل این است و محتاج نیست در این قانون که ما میترسیم یک تفاوتی قائل بشویم. فکر عملش را هم بکنید - باید

در موقع عمل وزارت مالیه یک میزری در تمام بلوکات و دهات و نصیبات جزء بجزه بفرستد که ببیند این زمین را مالک چقدر خاشاک داده و چقدر خرج فلان چیز کرده این چطور مقدر است که مالیه بفهمد یک ملکی را خوب خاشاک یا چه عملی موجب شده که عایدش خوب شده باید شده؟

عایدی اینجا در نتیجه کار کردن بوده یا نبوده - این ممکن نیست عملی شود.

اما یک قسمت راجع به مالیات جنسی فرمودند.

بنده شخصاً عقیده ام با جنابهای موافق است و خیال میکنم دولت و مجلس هم با جنابهای موافق باشند اما موقع دارد. حالا موافقش نیست وقتی که انشاء الله آن لایحه راجع به خالصجات از طرف دولت به مجلس بیاید اول آن مسئله را حل تصفیه بکنند و برای دولت خالصه باقی نماند و دولت مالیات جنس اصلاً نداشت آن وقت ممکن است این مسئله را درست کرد والا برای بودجه مملکتی که دولت در هر سال پیش بینی کند که در سال آتی به چند عایدات دارد البته باید مالیات مملکتی نقدی باشد ولی این از موضوع امروز لایحه امروز که برای تعدیل مالیات آورده ام خارج است و در موقع خودش البته خواهد شد.

اما اینکه راجع بجنس فرمودند راجع بجنس املاک از بابی نیست. راجع به خالصجات انتقالی است که همیشه وقت وزارت مالیه را اگر حساب کنیم از هرش ساعتی که کاری کند چهار ساعتش مربوط به این موضوع است و آنرا هم بطوریکه اطلاع داریم لایحه تهیه گردماند و عقیرت به مجلس خواهد آمد و مخصوصاً هم باید از طرف مجلس همه طور تا کیه شود که

زودتر این لایحه بیاید و متعاقب آن لایحه میزری املاک از بابی بگذرد و رفع این اشکالات بشود والا عمده شکایات مردم مربوط به آن است.

اما راجع به مسئله مهمی که راجع به سهم مالک فرمودند این را در خارج جواب عرض اعتراض کردند و بطور خصوصی جواب عرض کردم حالا که این موضوع به مجلس آمده بنده این مسئله را عرض خواهم کرد شقوقش را هم عرض خواهم کرد آنوقت بستم بنظر مجلس است اولاً یک قانونی که مجلس شورای ملی می نویسد در مملکتی که یک قانونی می نویسد تصور نفرمائید که در سرتاسرش بفتح تمام مردم تمام شود.

یعنی این قانونی که امروز برای تعدیل املاک از بابی می نویسم ممکن نیست ار کرمان تا بندر بهلوی تا تمام نقاط ایران یک جور و یک موافقت باشد مسأله در یک جایی یک تفاوت هائی برای یک اشخاصی حاصل خواهد شد اما نه این اندازه تفاوتی که

حضرت تعالی اینجا مثل زدید و فرمودید در سمنان ما از صد خروار هفتاد و پنج خروار را از باب میبرد بیست و پنج خروار را رعیت باید یک چیزی را هم در نظر بگیرد آنجا یک کس از صد خروار هفتاد و پنج خروار را از باب میبرد تمام مخارج دیگر بدهد از باب است.

اساساً عایدات مالک که میگوئیم چه چیز است؟ عایدات مالک منتهای سهم رعیت و بزرگ حقیقه جزء سرمایه است این دو چیز که موضوع بحث باقی عایدات است. از بزرگ که نمی شود مالیات گرفت! کیسیون هم با این عقیده موافق است و راجع باین مسئله صحبت زیادی شد و اختلاف زیادی هم با ما بنده وزارت مالیه داشتیم و بالاخره این مسئله حل شد. عایدات مالک گفته میشود منتهای سهم رعیت و بزرگست بقیه که میماند یک صدی پنج از آن بعنوان مخارج موضوع می شود و از باقی آن عشر دریافت میشود آن وقت مثل زدید و فرمودید در اصفهان و همدان سی و سه خروار از باب و بقیه رعیت میبرد همدان را که بنده اطلاع ندارم ولی اصفهان معکوس است در غالب جا ها سی و سه خروار رعیت میبرد و در بعضی نقاط هم هست که پنجاه خروار از صد خروار را رعیت میبرد

ولی در هر حال آن جایی را که رعیت زیاد میبرد آنجائی است که پنجم جزء سهم رعیت است و آنجا دیگر وزارت مالیه از از باب بعنوان بزرگ چیزی موضوع نمی کند و اینکه فرمودند تمیض میشود تمیض نمیشود زیرا آنجا ازیسی و سه خروار فقط چیزی که کسر میشود همان صدی پنج است و از بقیه اش عشر گرفته میشود

ولی آنجائی که زیاد تر میبرد آن وقت از سهم رعیت آن بزرگ افتاده است و از مالک دیگر چیزی نمیتوان بزرگ گرفته نمیشود این در بار است آنجائی که مالک زیاد میبرد بزرگ را از ش موضوع می کنند آنجا که رعیت زیاد میبرد بزرگ سهم است و از مالک چیزی از این بابت اخذ نمیشود این است که تقسیم در هر جا هر طوری باشد عادلانه خواهد بود

اینکه فرمودند در مخارج تفاوت نگذاشته اند بین فئات ورود آب و در لایحه سابق آورده بودند یک تفاوتی گذارده شده بود بلی آن لایحه سابق را که در دوره چهارم آوردند یک تفاوت هائی برای املاک فئات آب ورود آب منظور کرده بودند ولی در نتیجه راپورت هائی که وزارت مالیه ارائه الان هم در کیسیون موجود است و ممکن است راجع بفرمائید

بالاخره وزارت مالیه کیسیون را قانع کرد که بعنوان مخارج از

وقنات آب بکطور کسر شود این را بایستی عرض برسانیم که تصور نفرمائید آن یک لایحه میزری علمی است که امروز از مجلس شورای ملی می گذرد و وزارت مالیه اجازه میدهد اینطور نیست این یک لایحه تعدیل مالیاتی است.

نه یک لایحه علمی و قطعی این یک یک لایحه تعدیل مالیاتی است که مجلس امروز بوزارت مالیه اجازه مید هد و البته در ضمن امتحان و آزمایش که میشود ممکن است نواقص هم داشته باشد که عرض مجلس برسانند.

رفع شود. یک قسمت هم راجع به مالیات بزرگ فرمودید که مالیات بزرگ در نتیجه یک تجاوزاتی نصف مالیات خراسان است این هم بنده عرض میکنم این طور نیست بنده خود اهل آنجاهستم و در آن جا هم عمل کرده ام و مشرب مالیات خراسان هم نیست.

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است بعضی دیگر کافی میدانستند)

رئیس باید رأی گرفته شود بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

چند نفری برخاستند

رئیس تصویب نشد

اجازه میفرمائید بقیه مذاکرات بماند (برای فردا)

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس چند نفر خبر کیسیون مرخصی هم رسیده قرائت میشود و رأی می گیریم وزیر مالیه بودجه تصویب کلی مملکتی از برای سال ۱۳۰۴ است که تقدیم مجلس شورای ملی میکنم

یک فقره دیگر لایحه قانونی است راجع مساعدتی که دولت یعنی وزارت مالیه با اهالی ساوه می خواهد بکنند در خصوص آب آنجا و یک فقره لایحه قانونی هم به مجلس شورای ملی از طرف دولت تقدیم اند برای تسریع بهبودی احوال بلوچستان و فقره لایحه مالیاتی هم به مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم.

یکی راجع باصاق تبر باستان تجارتی که تخمین بخارج معارفی داده میشود یکی هم خاطر آقایان متذکر است

در سال گذشته در موقع مذاکرات بودجه عایدات نیم عشر اوقات را کنار گذاشته و تکلیف کرده بودند که وزارت مالیه قانونی برای آن پیشنهاد کند

این قانون را حالا پیشنهاد میکنم (چند فقره راپورت در کیسیون رعایتش) و مرخصی بشرح زیر قرائت شد)

آقای میرزا حسین خان اسفندیاری نماینده معتمد در ضمن مشروح اظهار داشته اند بواسطه کسالت تراج و بر حسب تجویز

در موقع عمل وزارت مالیه یک میزری در تمام بلوکات و دهات و نصیبات جزء بجزه بفرستد که ببیند این زمین را مالک چقدر خاشاک داده و چقدر خرج فلان چیز کرده این چطور مقدر است که مالیه بفهمد یک ملکی را خوب خاشاک یا چه عملی موجب شده که عایدش خوب شده باید شده؟

عایدی اینجا در نتیجه کار کردن بوده یا نبوده - این ممکن نیست عملی شود.

اما یک قسمت راجع به مالیات جنسی فرمودند.

بنده شخصاً عقیده ام با جنابهای موافق است و خیال میکنم دولت و مجلس هم با جنابهای موافق باشند اما موقع دارد. حالا موافقش نیست وقتی که انشاء الله آن لایحه راجع به خالصجات از طرف دولت به مجلس بیاید اول آن مسئله را حل تصفیه بکنند و برای دولت خالصه باقی نماند و دولت مالیات جنس اصلاً نداشت آن وقت ممکن است این مسئله را درست کرد والا برای بودجه مملکتی که دولت در هر سال پیش بینی کند که در سال آتی به چند عایدات دارد البته باید مالیات مملکتی نقدی باشد ولی این از موضوع امروز لایحه امروز که برای تعدیل مالیات آورده ام خارج است و در موقع خودش البته خواهد شد.

اما اینکه راجع بجنس فرمودند راجع بجنس املاک از بابی نیست. راجع به خالصجات انتقالی است که همیشه وقت وزارت مالیه را اگر حساب کنیم از هرش ساعتی که کاری کند چهار ساعتش مربوط به این موضوع است و آنرا هم بطوریکه اطلاع داریم لایحه تهیه گردماند و عقیرت به مجلس خواهد آمد و مخصوصاً هم باید از طرف مجلس همه طور تا کیه شود که

زودتر این لایحه بیاید و متعاقب آن لایحه میزری املاک از بابی بگذرد و رفع این اشکالات بشود والا عمده شکایات مردم مربوط به آن است.

اما راجع به مسئله مهمی که راجع به سهم مالک فرمودند این را در خارج جواب عرض اعتراض کردند و بطور خصوصی جواب عرض کردم حالا که این موضوع به مجلس آمده بنده این مسئله را عرض خواهم کرد شقوقش را هم عرض خواهم کرد آنوقت بستم بنظر مجلس است اولاً یک قانونی که مجلس شورای ملی می نویسد در مملکتی که یک قانونی می نویسد تصور نفرمائید که در سرتاسرش بفتح تمام مردم تمام شود.

یعنی این قانونی که امروز برای تعدیل املاک از بابی می نویسم ممکن نیست ار کرمان تا بندر بهلوی تا تمام نقاط ایران یک جور و یک موافقت باشد مسأله در یک جایی یک تفاوت هائی برای یک اشخاصی حاصل خواهد شد اما نه این اندازه تفاوتی که

طیب مجبور بدوا و میباشند ده روز مرخصی خواست بودند کمیسیون عذرشان را موجه داشته از تاریخ هشتم اردی بهشت ماه تاد روز مرخصی آقای اسفندیاری تصویب مینماید.

آقای میرزا حسین خان اسفندیاری بنده اصلا اجازه نخواست بودم

رئیس - اجازه نخواستند

آقای سهراب زاده نماینده محترم به

واسطه عارضه تب و نوبه برای معالجه از

مجلس شورای ملی مدت بیست روز از

پنجم خرداد ماه اجازه مرخصی خواسته

بودند کمیسیون عذر ایشان را موجه

داشته تصویب می نماید.

آقای سهراب زاده نماینده محترم

بواسطه عارضه کسالت از تاریخ هفدهم

اردی بهشت ماه تا شش روز اجازه مرخصی

خواسته اند کمیسیون اجازه ایشان را

تصویب مینماید.

رئیس - برای میگیریم آقایانی که

مرخصی بیست روزه آقای سهراب زاده

را يك فتره از هفدهم اردی بهشت و يك

قره بیست از پنجم خرداد تصویب میکنند

قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس تصویب شد

آقای کی استوان نماینده محترم

از بندر پهلوی ده روز تمدید مرخصی تقاضا

کرده بودند نظر اینکه قبلا اجازه دو ماهه

داشته اند و یکماه بیشتر از مرخصی استفاده ننموده

بودند و یکماه در مدت مرخصی رادرجاس

حضور داشته اند

لذا کمیسیون عذر ایشان را موجه دانسته

تمدید مرخصی ایشان را تصویب مینماید

رئیس - آقایانیکه مرخصی ده روزه

آقای کی استوان را تصویب می کنند قیام

فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس تصویب شد

آقای مشیر نظام نماینده محترم برای

تنظیم امور شخصی مدت یکماه از مجلس

شورای ملی تقاضای اجازه مرخصی نمودند

که تاریخ روز حرکت محسوب شود

جلسه ۱۷۹
صورت مشروح
مجلس یکشنبه هفدهم
خرداد ۱۳۰۴ مطابق
پانزدهم ذی قعدة
۱۳۴۳

مجلس سه ساعت قبل از ظهر

بریاست آقای آقا میرزا حسین خان

پیرنیا تشکیل گردید

(صورت مجلس روز قبل را آقای

آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی

نیست بانه

بعضی از نمایندگان - خید

رئیس - آقای دولت آبادی

(اجازه)

دولت آبادی - در روز که قانون نظام

اجباری از مجلس گذشت و مجلس پنجم این

انتخابات را که سبب صدور بندهم به خواستم يك

تذکری بدهم موقع بدست نیامد امروز آن

تذکره را میبدهم و آن این است ما محتاجیم

يك اجباری دیگر که با همدوش این اجباری

است و ما مقدم است و آن تعلیم و تعلم اجباری

است پس از مشروطیت خوب بخاطر دارم

نظامنامههایی که در ابتداء برای معارف

نوشته میشد یکی از مواد آن نظامنامه ها

تعلیم و تعلم اجباری بود

قانون اساسی لزوم تعلیم و تعلم اجباری

را تصریح کرده است

در قوانین موضوعه بعد هم در قانون

وزارت معارف و قانون شورای عالی معارف

و غیره و غیره مکرر در مکرر این کلمه

تصریح و تذکر شده است

در مقامنامه های احزاب سیاسی هم

غالباً می بینم یکی از مواد آن تعلیم و تعلم

اجباری است

پس این مسئله از افکار عمومی ملت ایران

شمرده میشود

و این صورت سابق بر این اگر در

اطراف این موضوع ما زیاد حرف نمی زدیم

برای این بود که می گفتیم اسبابش فراهم است

ولی امروز بفضل الهی اسباب آن دارد فراهم

میشود و ما مورین نظام اجباری بولایات و

مکنند بهر صورت من و مسائل واسباب این

کار را تا اندازه مهابی بینم طلاب علوم دینی

یکمده از جوانان شان که تا يك اندازه تحصیلات

جدید هم کرده اند آنها میتوانند از طرف

بواسطه بی مبالائی زارع جوقا سد گشت

دولت اجیر و موظف شوند بروند در دعوت

و تصبات دولت چه باید بکنند باید يك کتاب

ابتدائی چهار حکله که يك قدری هم از

فلاح و زراعت در آن نوشته باشد پنجاه

شصت هزار جلد طبع کنند بقیمت خوب یا

مجانی بین مردم منتشر کنند و از جوانان

تحصیل کرده و منتظرین خدمت و از طلاب

علوم دینه دولت میتواند اجیر کند با استخدام

نمایند و جاهالی دعوت هم حاضر هستند پول

بدهند و کسک میکنند این است که بنده می

خواهم تذکر بدهم از طرف مجلس بر رئیس

محترم دولت و دولت نوشته شود که قانون تعلیم

و تعلم اجباری را بمجلس بیاورند در حین

اجرای قانون نظام اجباری و سجل احوال

قانون تعلیم و تعلم اجباری عمومی هم در دست

عمل و اجرا گذارده شود

بعضی از نمایندگان - دستور

رئیس - آقای شوشتری

(اجازه)

آقای محمد علی شوشتری - فعلا

عرض ندارم

رئیس - ماده اول قانون همیزی مطرح

است

آقای حائری زاده

(اجازه)

یک نفر از نمایندگان - نسبتند

رئیس آقای اتعاد

(اجازه)

اتعاد بنده قبل از ورود در موضوع

لازم است بيك نکته اعتراف کنم که

چون ما يك نسیتم شاید از ترتیب زراعت و ملك

داری اطلاع نداشته باشم و البته این هم نص

نیست و دولی در عین حال در يك قسمت از

آنها تبه نماید

نشان که عبارت از مقدمات برنج است

بترتیب فوق نشاء می شود و ملافه های مرز

نشاء را بادست میکنند شهبازا در مرز

برای محافظت مزرعه از جانوران و روزها

را می برای آبیاری هستند اگر بی آبی باشد

محصول میسوزد و اگر آبریزد شد غرق

می شود

یکی از آنها که بنده می آبی است

زنگ زدن است که اصل سبیل را بیفتز

وسپاه میکنند

پس از آنکه محصول آماده شد

اگر بازار گرفت تمام خوشه ها در باران

مانده شل می شود و تا بخواهند آنرا خشک

کنند مقدار کلی تقریباً بیست و دو از این مسئله

تا انجام آن تقریباً چهار ماه پنج ماهه

در گیلان در تسبیات مالک و زارع

دو قسمت را مالک و سه قسمت زراعت میبرد

از ارضی گیلان بواسطه آنکه مرطوبی

است قوری نمیتوانند حمل کنند

بنابر این بعنوان قرض زراعت میدهند

که او حمل کند و برای تحصیل این قرض

از صد بیست تا بیست و پنج مجبورند بکند خدا

بدهند

یکی از مزارع دیگر که در آنجا

هست و شاید در سایر جاها نباشد در هر سال

صدده برای تعمیرات خانه های رعیتی تخصیص

داده می شود و بطوریکه قبلا مرش کردم

در هر سال اواسطه کسی یا زیادی آب يك

مفتاری سوخت می شود و از کبسه مالک

یا خورده مالک میبرد

بنابر این عریضی که کردم همیشه

دولتهای وقت این نکته را متوجه بوده اند

و زارع بقسمت گیلان تخفیفهایی منظور

می داشتند اند در کابینه و توفیق اللهوله تقریباً

صدی سی برای مزارع کسر کردند و خود

دکتر میلسیروم اعتراف کرده است و صد

بیست و پنج از برای آنها کسر کرده اند

نظر دورد است که عدالت باید شامل مالک

و زارع همه باشد

بنابر این بنده مستقدم که این صد بیست

برای مزارع نسبت بگیلان و خورده

مالکین گیلانی يك اجهاف فوق العاده ای

رئیس - آقای ممتد السلطنه

(اجازه)

ممتد السلطنه - عرضی ندارم

رئیس - آقای رضوی

(اجازه)

رضوی - عرض میکنم در روز در موقعی

که آقای یاسانی و آقای شریعتمدار

صحبت کردند بنده جوابهای آنها را دادم

ولی امروز آقای اتعاد مندا کرده کردند

بنده مخالفتی از ایشان ندیدم جز اینکه

فرمودند صد بیست که برای مزارع موضوع

تسهل شده برای رشت کم است شاید همینطور

هم باشد که فرمودند مالکین این را بر تیکه

بمجلس آمده است همان را بیروت کمیسیون

قدیم است و مربوط بکمیسیون جدید نیست

یعنی کمیسیون جدید معرفی درش نکردند

است در همان موقع که آقای سردار

ممتد (که امضا شتر انستیدام)

یک نفر از نمایندگان - صادق خان

اکبر

رضوی - بلی صادق خان اکبر - ایشان

هم در کمیسیون تشریف داشتند و نظریات

خودشان را فرمودند و بالاخر خود ایشان

متقافه شدند در این خصوص نظریه مالکین

رشت جلب شده است بنابر این بنده ایراد

ایشان را وارد نمیدانم

رئیس - آقای مهرانی

(اجازه)

مهرانی - دوره جاهلیت یا استبداد

اراده سینه یک نفر یا چند نفر بخصوص برای

مملکت قانون بود اهم از اینکه مستند بیبند

و پرهان و منگی بدلیل و فلسفه باشد یا نباشد

در دوره آزادی و مشروطیت قانون را بدست

مجلس گذارند مجلس هم بدون اتکاء بيك

مسئله فلسفی نمی تواند وضع قانون کند

در این قانون همیزی که نوشته شده و اصول

و زراع باید مالکانه نسبت بتمام مملکت

علی السوری باشد و این طریق که اینجا

نوشته اند اعتدال ندارد

مخالفت بنده از این راه است

رئیس - آقای بیات

(اجازه)

مرضی فلی خان بیات - اختلاف

نظری که در باب وضع این مالیات بین

آقایان میباشد این است که بعضی ها نظر

دارند که مالیات باید بر کلیه عایدات وضع

شود و از سکتیه عایدی که از بيك ملك

عمل می آید دولت مالیات بگیرد و بعضیها

منتقدند که باید از عایدات مالک دولت

يك حقوقی بگیرد

اگر آقایان وقت بفرمایند تصدیق می

فرمایند که اگر بخواهیم مالیات را بر کلیه

علی التساوی نیست

استثناه نداشته باشد لکن مستند قانونی باید

يك شكلی باشد که اکثریت جامعه را

بگیرد

در این صورت اینکه اینجا نوشته شده

است از سهم مالکانه بطریق ذیل اخذ

خواهد شد این هیچ معلوم نیست در این

مملکت سهم مالکانه مختلف است بيك

شك را يك شخصی میگرد صد تومان در

صورتیکه عایدی آن ده خروار است و سهم

مالکانه او دو خروار بیشتر نیست تقریباً

به آن اندازه که برای خرید آن مالک پول

داده شده بيك سهمی به مالک میرسد یعنی

از این ملك دو خروار سهم مالکانه است

یکجائی دیگر هست که ده خروار عایدی

دارد یا نصد تومان خریده شده زیرا هشت

خروار آن سهم مالکانه است بیست سهم رعیت

و مالک مختلف است و نمی شود گفت در ملك

که هر دو ده خروار عایدی دارند و سهم

مالکانه بيكی دو خروار و دیگری هشت

خروار است هر دو بيك قیمت دارد

پس وقتی که این را تصدیق کردیم

گرفتن مالیات بيك تناسب غلط است و

عایدی هر ملكی را باید ملاحظه کنند

اصولاً عایدی هر ملك باید پنج سهم بشود

سهم زمین سهم آب سهم رعیت سهم

گاوه سهم شخم

یعنی پنج سهم بشود اهم از اینکه بین

مالک و رعیت این سهم بندی شده باشد یا

نشده باشد آب و ملك چون متعلق بملك

است دو سهم باید مالیات بدهد اگر در بيك

جا مالک يك خمس میگیرد برای اینست که

پولش را کمتر داده و اگر دو خمس می گیرد

برای اینست که پول زیاد تر داده و در هر کجا

سهم مالک بيك صورت دارد

ولی اصولاً آب و زمین از چیزهایی است

که متعلق بملك است و باید بيك سهم از

پایت زمین مالیات بدهد اینک اینجا نوشته

عایدی مالکانه

گرفته میشود ببقیده بنده غلط است

اظهار میشود ببقیده بنده غلط است

زیرا اگر بگوئیم مالیات را بر كل

عوائد وضع می کنیم ولی آن وقت مالک

از سهم خودش بدهد این تناسب غلط

است

زیرا مالک سهم خودش را می برد

چگونه میتواند از سهم خودش

مالیاتی که بر سهم دیگری تعلق میگیرد

بدهد

پس باید بر سهم مالک مالیات وضع

کنیم و همانطور که در مجلس اظهار شد

ترتیب تقسیم بین مالک و رعیت در ایران

خیلی مختلف است

در خیلی جاها سه کوت مقرر است

به این ترتیب که دو قسمت رعیت و يك

قسمت مالک می برد

در اراضی دیم زار چهار قسمت رعیت

و بيك قسمت مالک برد

در بعضی جاهای دیگر بيك قسمت رعیت

و بيك قسمت مالک می برد

در بعضی جاها در بیست قسمت

نوزده قسمت رعیت و بيك قسمت

بگیرد. حالا در اینجا يك اختلاف نظر هائی موجود است كه بمقتده بنده حق باقیانست كه بعضی اظهارات میکنند بواسطه اینکه در عایدات آب و زمین هم يك تفاوت کلی در کار است مثلا در بعضی جاها رود آب است كه در سال هیچ خرجی ندارد و عایداتی كه مالك یا رعیت از رود آب می بردند هیچ خرجی است ولی در بعضی جاهای دیگر آب از قنوات است كه يك زحمت و مخارج زیادی دارد تا انسان بهره برد و چون ما میخواهیم وضع مالیات از روی عدالت و انصاف باشد از اینجهت باید معتقد شد و قبول کرد كه اگر عایدات از آب رودخانه باشد يك عشر مالیات بدهد برای اینکه چنانچه عرض شد رود آب هیچ خرجی ندارد ولی اگر از قنوات متحمل شود موضوع کرد و از باقی مالیات گرفت آن وقت این ترتیب عادلانه خواهد بود.

پس این ترتیبی كه در این لایحه نوشته شده صحیح است فقط آن نظری كه بعضی از آقایان راجع بقنوات رود و قنات آب فرمودند باید بمقتده بنده ملحوظ شود بنده خود هم موافقم كه باید يك تفاوتی منظور شود و اینکه آقای آقا شیخ معدعلی فرمودند قیمت املاك متفاوت است و فرمودند در يك جایك کسی ملكی را می خرد به صد تومان كه ده خروار عایدی دارد و از این ده خروار هشت خروار رعیت می برد و دو خروار مالك و در يك جای دیگر با بیست تومان يك ملكی می خرد كه از ده خروار محصول هشت خروار مالك می برد و دو خروار رعیت.

در هر حال باید دانست كه املاك امروزه از روی عایدی خرید و فروش می شود یعنی از روی تعیین همین میکند كه عایدی فلان ملك مثلا در سال چیست. آنوقت از روی آن عایدی قیمت می كند و خرید و فروش میشود منتهی ملك در هر جائی يك قیمت دارد این بسته محل و مكان ملك است.

در بعضی جاها قیمت ملك از فرار تومانی يك قران و عشر است و در جا های دیگر از فرار تومانی پانزده شاهي دهشاهی بلکه دوعباسی خرید و فروش میشود غرض این است این ترتیبی كه بنده عرض كردم و در این قانون هم نوشته شده متناسب و عدالت نزدیکتر است تا آن طوری كه سرکار فرمودید كه هم از مالك و هم از رعیت گرفته شود زیرا در آن صورت يك اختلاف بزرگی بین مالكین و رعایا فراهم خواهد شد كه اسباب زحمت است و آنوقت مالك میخواهد این مالیاتی كه دولت از او مطالبه میکند كردن رعیت بیندازد و این يك تعصیبی است بزراع و رعیت كه هیچ شایسته و سزاوار نیست اگر هم خود مالك خواهد بدهد این هم

از عدالت دور است. از اینجهت بنده با این لایحه موافقم نهایت راجع به تفاوت بین رود آب و قنات آب ممكن است آقایان پیش نهاد بفرمائید تا يك ترتیبی برای اینكار معین شود كه مطابق عدالت و تناسب باشد.

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم اجازه بفرمائید عرض كنم.

رئیس - بفرمائید.

محمد هاشم میرزا - این قانون همیزی دو سه رتبه در دوره چهارم مجلس آمده و بالاخره نتوانستیم بهمم كه این ترتیبی كه آقایان در نظر گرفته اند از روی چه اصل و کدام مأخذ است؟ اگر بدانیم از روی چه اصلی است آنوقت می توان موادش را از روی آن اصل و ترتیب تنظیم كرد. اولاً باید دانست كه تنظیم قانون همیزی از برای دو چیز بوده است یکی از برای تحویل مالیاتها. زیرا يك املاكی از قدیم آباد بوده كه حالا غراب شده و يك املاكی تازه احداث شده كه مالیات ندارد و علت دوم برای این بوده كه يك عایدی متوجه دولت شود. در آن دوره بنده آقای كازرونی مخالف بودیم و عرض میکردم با این ترتیبی كه دولت در نظر گرفته قطعاً عایداتش خیلی كمتر از سابق خواهد شد كه این مسئله را ثابت كنم.

این يك جهت مخالفت بنده است. قسمت دوم از مخالفت بنده این است كه این ترتیبی كه مقرر شده معلوم نیست از روی چه قاعده است یا باید معتقد شد كه هر چه از زمین می برد مالیات بدهد اهم از اینکه مال رعیت باشد یا مال مالك مال هر كس باشد باید از آن مالیات گرفت بدون اینکه در نظر گرفته شود كه ترتیب تقسیم آنها چیست؟ این يك ترتیب با این است كه يك اصل کلی را در نظر بگیریم و بگوئیم هر كس در ملك عایدی دارد باید بقدر سهم خود مالیات داده و در خارج مؤسسات ملكتی شركت و كمك كند منتهی چون بنده از منظر سیاسی مالیات مستقیم را بر مالیات غیر مستقیم ترجیح میدهم باید این مالیاتی كه از مردم گرفته میشود طوری باشد كه بطور تساوی گرفته شود.

یعنی همان طوری كه کسانی كه اهم از رعیت یا ملك مالك دارند مالیات باید بدهند همانطور هم آن اشخاصی كه مزدورند و كار میکنند و يك عایدی دارند باید با اندازه سهم خود مالیات بدهند حالا اگر مقصود این لفظ عایدی كه بطور مطلق و سر بسته در اینجا نوشته شده اسباب زحمت خواهد بود و همانطور كه مذاكره شده در هر جائی يك اختلافی از قضا نظر تقسیم سهم مالك

و رعیت موجود است. بنده حالا میخواهم آن مذاكرات را تکرار كنم ولی در هر حال يك قدر جامع و مشتمل كی در همه جا موجود است و آن همان چیزی است كه بطور خالص عاید مالك میشود و این ترتیب در شمال و جنوب و مشرق و مغرب فرق ندارد و از روی این ترتیب دیگر هیچ لازم نیست بگوئیم دهيك است یا پنج و دو است یا چه ترتیب است فرضاً اگر بنده خواستم از خراسان بپهران مسافت كنم در صورتی كه ملكی داشته باشم چه میکنم؟ بدهی است او را يك نفر اجاره میدهم و مستأجر قبول میکند كه پس از وضع مخارج فلان مقدار بن بدهم آن چیزی كه پس از وضع مخارج بن من میرسد همان عایدی ملك من است و از آن دولت باید مالیات بگیرد پس بهترین ترتیب این است كه نوشته و قید شود.

مقصود از عایدی ملك آن قسمتی است كه مستأجر یا مباشر شرح در درفته مالك میدهد اگر این ترتیب را مقرر دارند هیچ اشكالی ندارد و خیلی خوب است و علاوه این يك اصلی است كه در تمام ملكت میتوان اجرا كرد بنا بر این خوب است در اینجا توضیح داده شود كه عایدی ملك عبارت از همان چیزی است كه مستأجر یا مباشر پس از وضع تمام مخارج بدملك میبرد از آن حالا بنده کاری بان ندارم كه خوب است بشریکینند یا صند بگیرند یا صند یا زده بگیرند و بمقتده بنده اگر ده يك را با مالیاتهای كه امروزه گرفته می شود موازنه كنیم می بینیم دهيك كم است و باید زیاد تر گرفته شود. چنانچه امروزه از بعضی جاها صند پانزده و از بعضی جاهای دیگر صند بیست بیست مالیات میگیرند ولی از بعضی نقاط هم صند پنج میگیرند و از بعضی جاها هم صند نیکوینند و این استنباطی ندارد.

باید يك طوری كرد كه این عایداتی كه از مردم برای خرج مؤسسات ملكتی میگیرند بطور تساوی باشد حالا بنده در مقدار و میزانش كه چه قدر خوب است بگیرند عرضی ندارم ولی عرضم این است كه این ترتیبی كه این جا نوشته شده عادلانه نیست. مادر این جا اسناد را میگذاریم كه از مالك مالیات میگیریم ولی ضمناً قائل می شویم كه مالك هر كاری دلش میخواهد با رعیت بكنند این ترتیب خیلی شبیه است به اوضاع پنجاب. سال قبل كه يك ایالت یا ولایتی را بجا می سیرند و مالیاتش را هم جزو او میگردند و او می بینندش امسال دوهزار تومان بدولت بدهد وقتی كه آن حاكم می گفتم من از كجا بیاورم كه دوهزار تومان اضافه بهم

جواب میدادند تو حالا بده بده از هر كسی خواستی در محل بگیر. حالا ما هم همچو قائل می شویم كه مالك بدهد هر كاری دلش می خواهد با رعیت بكنند. مگر رعیت را بدلك فروخته اند كه هر كاری دلش می خواهد با او بكنند مستأجر باشد؟

این ترتیب بهیچ وجه مطابق عدالت نیست اگر روزی پیش بیاید كه بر مزدور دور هم مالیات ببندند آن وقت رعیت هم چون مزدور است باید بدهد ولی امروزه چون رعایا با زحمت شخص يك عایدی پیدا می كنند در تادیه مالیات باید موخر باشند.

چنانچه در زكوه همین طور است و عواشی كه برای ثبوت اولیه حاصل می شود از زكوه استثناء شد.

پس در این جا ما باید فرار دهیم كه کسانی با زحمت و مشقت خودشان يك چیزهایی برای فوٹشان تحصیل می كنند از آنها نباید چیزی گرفت.

باید بگوئیم تمام مردم باید در مخارج مؤسسات ملكتی شركت كنند و همان طور كه ما قانون اجباری وضع می كنیم و آنها مكلف می كنیم خدمت نظامی را قبول كنند حاضر می شوند بجنك بروند همانطور هم باید قرار بدهیم هر كس هر مقدار عایدی دارد يك چیزی از عایدی خود را برای مخارج ملكتی بدولت بدهد منتهی بقدر مراتب یعنی هر كس بیشتر عایدی دارد بیشتر او هر كس كمتر دارد كمتر بدهد.

ولی اگر مقصود از این قانون عایدی مالكانه است كه آنها هم باید تصریح شود تا بدانیم مقصود چیست؟ اگر مقصود این است كه از مالك بگیرند پس بهتر این است كه اصولاً بگوئیم هر چه از زمین می رود باید مالیات بدهد. والا يك اشكالی درست می شود آن اصل قضیه را كافی بدانند و ببینندش ها پیدا دارند.

مالك بقدری كه شرعا اختیار دارد می تواند با رعیت معامله كند و پیش از آن نمی تواند زيرا رعیت كه در زیره مالك نیست تا هر طوری كه مالك دلش بخواهد با آنها رفتار كند ما آنها را كه بدلك فروخته ایم از این جهات بنده مخالفم.

مخبر اینکه بنده كمتر مدافعه کرده و در سر موضوع این لایحه كثره آقایان زحمت دادم برای این است كه این لایحه يك لایحه است فوق العاده مهم است زیرا اساس يك ایالتی است كه تمام مردم كمال احتیاج را باور دارند.

برای اینکه بواسطه يك ترتیب و اشكالات فوق العاده كه در نتیجه يك مدت طولانی معیژی در

ملك نشده اسباب زحمت هم برای مردم وهم برای دولت فراهم شده و البته وضع این قانون یکی از کارهای مهم این دوره است كه تكلیف همه معین می شود و بیشتر می خواستم انكار مجلس معلوم شود كه در ضمن تكلیف كمسیون هم معلوم بشود.

آنچه بنده در این دودوز و همچنین در آن دمه اول كه این لایحه مجلس آمد فكر آقایان را فهمیدم این است كه در ماده اول كه اساس وضع مالیات را منسوخ میکند دو فكر بیشتر موجود نیست يك فكر كه اكثریت مجلس آن فكر را دارد این است كه مالیات از عایدات خالص مالكانه گرفته شود.

يك فكر دیگر این است كه مالیات از مجموع كل عایدات گرفته شود این دو فكر هست و حالا هم بمقتده بنده (بالینكه این لایحه باید خیلی مورد دقت و اقامت شود) بعد گفتات مذاكره شده است یعنی اشخاصی كه نظر مات مختلف داشته اند لامل خودشان را اظهار کرده اند و چنانكه همه آقایان اطلاع دارند بعضی از آقایان هم پیشنهادهایی نهی کرده اند و بمقتده بنده خوب است مذاكرات را در کلیات مطلب خاتمه داده و آن پیشنهاد ها كه آقایان کرده اند قرائت بشود و در اطراف هر يك مذاكرات بنشیند تا ما ببینیم تكلیف چیست؟ تكلیف این است كه آن پیشنهاد را قبول كنیم كه با ماده مورد كمسیون و ثانیاً باید كمسیون ما بشود در مجلس قارا توجه شود و ما در كمسیون در آن مذاكره كنیم و نتیجه را بعرض مجلس برسانیم والا اگر آقایان بخواهند از هم مذاكرات را ادامه بدهند يكی از این طرف و یکی از آن طرف حرف بزند نتیجه حاصل نشده و مطلب از بین می رود و اگر آقایان این پیشنهاد و عرض بنده را قبول میکنند خوب است مذاكرات در اصل قضیه را كافی بدانند و ببینندش ها پیدا دارند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

دست غصب - خبر در پیشنهاد ها باید مختصر مذاكره كرد و نمی شود تمام مطالب را گفت.

داور - بنده با اقبای مذاكرات مخالفم.

دست غیب بنده هم مخالفم.

رئیس - عدل كافی نیست كه رأی بگیریم.

آقای آقا شیخ فرج الله (اجازه)

آقا شیخ فرج الله - مادر این جا لابدیم كه يكی از دو اصل را در نظر بگیریم یا این كه هر چه از زمین بیرون می آید از آن مالیات بگیریم اهم از اینکه سهم مالك یا رعیت یا آب یا بنر یا گاو هر چه می خواهد

باشد. در این قانون این مطلب منظور نیست و در واقع در این قانون پیش بینی کرده كه از سهم رعیت و گاو این ها صرف نظر شود و از آنچه كه تشخیص سرمایه دار كه مالك است میرسد از آن يك دهيك گرفته شود (حالا دهيك یا هر چه هست) وقتی كه بنده عرض این باشد كه از سهم مالك كه سرمایه دار است و از آنچه كه او عاید می شود گرفته شود این ماده این فرض را تا همین نمی كند چرا؟

برای اینکه می نویسند از سهم مالكانه در كرمان معمول است كه مالك بنر را می دهد به رعیت.

رعیت زراعت می كند و وقتی كه حاصل جمع شد و خرمن شد حساب می كند هر ده من سه من با ثلث از این خرمن را رعیت می برد باقی را مالك می برد خراج قنات و خرج بقدر تمام بدهد مالك است.

بعضی آقایان می گویند اینجا این قسم نیست و باید بقدر رعیت بدهد بنده می گویم حق همین است كه بقدر را مالك بدهد والا اگر بقدر را مالك نداد مستحق محصول نیست و محصول مال کسی است كه بقدر زراعت كرده پس این عایداتی كه این جا نوشته شده است وقتی حاصل را برداشت باید عشر از سهم مالكانه را بدهد و این مالیات بر بقدرم تعلق میگیرد و حال اینکه اساساً وضع مالیات بر بقدر قانونی نیست از يك طرف در كرمان و بزرگ دارد و در آخرش تقریباً صد و پنجاه ذرع صد و هشتاد ذرع رسیدن كار است خرج مستمری برای این قنات نیست و از همان جایی كه این قنات ها را كندند اند و از همان جایی كه آباد شده تفاوت پنجاه خروار شصت خروار صد خروار برای آن معین کرده انده این معنی كه وقتی مالك بخواهد حق رعیت را بدهد بقدر هم كه منظور کرده این قدر خرج هم برای قنات باید در نظر بگیرد.

ولی چون در آن جا برای معنی برای چاخر بیست تومان سی تومان هم تفاوت دولت مالیات می گیرد در موقع حساب هفتاد هشتاد خروار هم از آن باقی منظور می شود حالا این این سهم مالكانه كه این جا نوشته شده بهیچ وجه تشخیص داده می شود؟ اعتقاد من این است كه يك عبارت جامعی اینجا نوشته شود.

عبارت ماده اینطور است: مالیات املاك از برای (بفراخالصجات انتقالی كه بموجب قانون علیحدگی مشخص می شود) از سهم مالكانه بطریق ذیل مأخوذ خواهد شد.

ممكن است عبارت را بشویسیم از عایدات خالص مالك يك عشر مأخوذ خواهد شد.

این عبارت جامع است و شامل كرمان خراسان و تبریز و طهران و همه جای ولایات ایران میشود. این یکی یکی دیگر اینکه اگر ملاحظه خرج را نكنیم هم بعایدات دولت نكس میرسد هم بعایدات مالك و رعیت ملاحظه بفرمائید در همین باغ بهارستان دو تا باغچه بهلوی هم باشد در يكی ۲۰ پار كود بریزند در يكی دیگر بریزند از اولی صد من كاهو عاید میشود از دیگری ۵۰ من حالا اگر بنده ملاحظه ۲۰ پار كود نشود خرج منظور نشود سال دیگر آن هم كه فلان قدر خرج میکنند خرج نخواهد كرد و مثل آن یکی آنوقت اینهم ضرر برای عایدات دولت و هم ضرر بزراعت رسیده است بجهت اینکه آن یکی هم ۵۰ خروار محصول می دهد و بجای ۱۰ خروار كه سال قبل بدولت داده است امسال ۱۰ خروار میدهد. وهم عوارض صد خروار حاصل ۵۰ خروار عاید شده است پس با این عبارت مهم كه نوشته شده است (از سهم مالكانه) كه معلوم نیست بقدر منظور هست یا نیست خرج قنات مستثنی شده است یا نه.

بعد در ثانی می نویسند از اراضی آبی ۰۰۰ و ۰۰ فرقی بین چشمه و قنات نمی گذارد. باین نظر بنده با این ماده مخالفم.

جمعی از نمایندگان - مذاكرات كافی است.

يك نفر از نمایندگان - خیر كافی نیست.

رئیس - برای گرفته می شود آقایانی كه مذاكرات را كافی می دانند قیام فرمایند.

(صد فیللی برخاستند)

رئیس - معلوم میشود كافی نیست آقای آقا سید مقرب (اجازه)

آقا سید مقرب - موضوع است كه باید اول از نقطه نظر علمی حل كنیم آن وقت كه مان میکنند این اشكالاتی كه در این ماده بین آقایان هست بر طرف میشود يك موضوع ما بین كمسیون و نمایندگان و اولیاه و وزارت مالیه است كه وزارت مالیه در نظر دارد نسبت باین نقد و جنس كه الان تحصیل میکند كتر نشود این يك مسئله است كه وزارت مالیه و مأمورین وزارت مالیه می گویند ما برای معیژی حاضر می شویم و در محله معیژی میكنیم بشرط اینکه عایدات دولت از این كتر نشود لیكن عقیده كمسیون و ما مانده گان معیژی كردن است و مخالفه كه چه بشود چه زیاد ما عقیده ما نیستیم كه حتماً معیژی را بوجهی بكنیم كه از آن چیزی كه الان دولت از

معلها می گیرد هیچ كم نشود بلكه اینكه نظر ما این است.

این هر چه مرجی كه نسبت بمالیات نقدی و جنسی و این زحمتی كه برای دولت و ظلم هائیکه نسبت بر عاها هست برداشته شود بنده كاملاً می دانم كه بعضی از دهات هست كه بلكه باید و نابود است و همان مالیات كه در زمان عباس میرزا كه معیژی كردند بر محل ها و ملكها بسته اند هنوز گرفته میشود و هم چنین بعضی دهات هست كه بنده ها آباد شده و چون از آن وقت تا حال معیژی نگرداند آنها مالیات نداده و حتماً باید باین ترتیب خاتمه داده شود.

اما در كره امیر را تعلق گنم و بینیم این دو تا مالیات های فعلی و مالیاتيكه بعد از معیژی كه در حاصا مشد كداميك بیشتر است و آیا همین حال كونی باقی می ماند یا كتر با زیادتر میشود مسا این نظر را ندارم و اولیاه و وزارت مالیه هم باید نظرشان در تبدیل باشد نه در حفظ میران عایدات و نظرشان این باشد كه در تبدیل مالیات يك قدم اساسی بردارند و اگر هم در سال اول و دوم اجرای معیژی از این فوائدی كه الان دارند كسر شود چون نظر اصلاحی است نباید احمیت بدهند. بین معنی با این را توضیح بدهم.

درست است كه وزارت مالیه مأمور جمع عوارض است لیكن در تمام قدهایش نباید نصب العین خود عایدات را قرار بدهد بلكه بعضی قدهای اصلاح اساسی هم باید برداشته شود مثلاً در معاركات می آیند قائل بمسكه میشوند و عوائدی هم از این راه برای دولت قرار داده اند لیكن مقصود اصلی از معاركه خصومت است و نظر عدلیه باید اول بقطع خصومت باشد ولو اینکه چیزی عاید دولت بشود یا نشود.

در موضوع تبدیل مالیات هم بمقتده بنده نظر دولت و وزارت مالیه نباید ب حفظ عوارض باشد بلكه مقدم بر حفظ عوارض رفع اشكالات و هرج و مرج فعلی است و حقیقه نظر باید بتعدیلی باشد.

بر فرض اینکه عوارض دولت در سال های اول و دوم كسر شود بده خودش راحت میشود از دست این تحصیل عاها و این ادارات كه از برای جمع نقد و جنس استخدام شده اند از این حیث خرجش خیلی تفاوت میکند.

این يك موضوع است كه بین كمسیون و مجلس و اولیای وزارت مالیه و آقایان هست و باید حل بشود.

يك مسئله دیگر هست كه موضوع علمی است و آنرا بعرض آقایان میرسانم و آن اینست كه هیچ وقت نشده است موضوع مختلف مبادیش و احسب شود.

چطور؟ حال عرض میکنم؛ دولت میبخواهد مالیات یک نسق و متعادل شکل در مملکت داشته باشد. ماها از ولایات مختلف شده ایم در هر جا سهم مالک و رعیت یکجور است. بنده می گویم دولت باید مطابق آن چیزی که در دهه مابیان مالک و رعیت هست آنجور بکشد.

دامغانی می گوید دو دامغان اینطور است. مدرس می گوید در اسفهان اینطور است و باید اینطور بگیرند اینها موضوع های مختلف است بنده می گویم یک سادی مختلف که عمل رعیت و مالک مختلف است باجهات اختلاف است چگونه میشود مبدأ برای عمل و وضع یک مالیات واحد بشود؟

مأمور گویم بآن اختلاف خودمان باقی باشیم برای دولت هم بآن نظر وحدت باقی باشد و این معال است که این هر دو نظر با هم جمع شود؛ بعلت اینکه مامی گویم همان ترتیبی که بین مالک و رعیت در عراق زده است باقی باشد.

آن ترتیبی هم که در گیلان زده است باید باقی باشد لیکن دولت از آنجا هم عشر بگیرد از اینجا هم عشر بگیرد و حال آنکه در یکجا شرکاتی برای دولت است. و نفع کلی برای مالک و در جای دیگر یکسکس این ترتیب است.

این دو قضیه متناقض است و باید یک قدری هم نزدیک شویم.

حالا آیدیم سر نزدیک شدن. آقایان تصدیق دارند که بغیر دادن رژیم یعنی آمدن از حالتی بحالتی دیگر و این تغییر رژیم برای این است که در تمام اوضاع و حالتهای تاثیر بگذرد. حکومتان بهم بچورد.

مالیات بوضعی که سابق می گرفتیم بهم بچورد و در روز و در چند اوقات ترتیب هم باید جدید باشد.

ما از جهت اینکه در دوره های سابق می دانستیم طریق مالیات عادلانه نیست گفتیم مشروط شود.

قانون هم بگذاریم که در مالیات گرفتن وسایل امورمان از روی قانون عمل کنیم و همه امور را مطابق با اصول مشروطیت بگیریم حالا ما در این موضوع شتر مرغ شده ایم؟ از یک طرف می گوئیم باید در همان حالت استبدادی خودمان باقی باشیم و مالیاتمان بطور دوره استبداد باشد از یک طرف می گوئیم قوانین مشروطه هم باشد این نمی شود؛ در روز هم که آقایان متوجه نشدند بر عرض بنده.

هرض کردم با اختلافاتی که در بین رعایا و مالک در ولایات مختلفه مملکت هست نمی شود هر یک از آن اختلافات را ما در نظر بگیریم و مالیات را بصورت

واحد وضع کنیم پس ناچاریم مالیات را به صورت واحد قرار دهیم. دولت حق خودش را می گیرد (حالا جواب شاهزاده محمد هاشم میرزا را میبندم) بنده نکند مثل همان عهد استبداد هر طوری که مالک میبخواهد سر رعیت را ببرد.

عرض کردم دولت حق خودش را از عوائد مالکانه بگیرد بعد کار نداشته باشد که مالک با رعیت چه ترتیبی درست میکنند و نقطه نظر بنده در این عرض که کردم حفظ مالکیت خصوصی بود یعنی می گوئیم دولت حق ندارد بگیرد.

تو مالک اینقدر بنده بین مالک و رعیت یک ماملات اربابی و رعیتی هست دولت نباید در آن معامله مداخله کند.

مالک باید در ملک خودش مستقل و مختار باشد. بنده خواستم این نظر را محفوظ داشته باشم نه اینکه شما بخواهید امروز آنکه در یکجا شرکاتی برای دولت است. و نفع کلی برای مالک و در جای دیگر یکسکس این ترتیب است.

این دو قضیه متناقض است و باید یک قدری هم نزدیک شویم.

حالا آیدیم سر نزدیک شدن. آقایان تصدیق دارند که بغیر دادن رژیم یعنی آمدن از حالتی بحالتی دیگر و این تغییر رژیم برای این است که در تمام اوضاع و حالتهای تاثیر بگذرد. حکومتان بهم بچورد.

مالیات بوضعی که سابق می گرفتیم بهم بچورد و در روز و در چند اوقات ترتیب هم باید جدید باشد.

ما از جهت اینکه در دوره های سابق می دانستیم طریق مالیات عادلانه نیست گفتیم مشروط شود.

قانون هم بگذاریم که در مالیات گرفتن وسایل امورمان از روی قانون عمل کنیم و همه امور را مطابق با اصول مشروطیت بگیریم حالا ما در این موضوع شتر مرغ شده ایم؟ از یک طرف می گوئیم باید در همان حالت استبدادی خودمان باقی باشیم و مالیاتمان بطور دوره استبداد باشد از یک طرف می گوئیم قوانین مشروطه هم باشد این نمی شود؛ در روز هم که آقایان متوجه نشدند بر عرض بنده.

هرض کردم با اختلافاتی که در بین رعایا و مالک در ولایات مختلفه مملکت هست نمی شود هر یک از آن اختلافات را ما در نظر بگیریم و مالیات را بصورت

طولی هم نمی کشد. البته هر قانون اول مشکل است و پس از یک دو سال که گذشت هم دولت آسوده می شود مردم و یک ترتیب خوبی در وضع رعیت و مالکی خودشان میگذارند آقای وزیر مالیه هم در اینجا شریف دارند در حضورشان عرض میکنم که اینقدر شما مته به ششخاش نگذاشته باشید که از آن سیصد هزار خروار بدار میزینیم خروارش هم کم نشود؟ غیر؟ کم بشود؟ دیگر چکار کنیم؟ میبخواهم تبدیل کنیم. کم هم شد بشود.

وزیر مالیه - بنده نمی خواهم زیاد مزاحم و مصدع خدمت آقایان محترم بشوم به جهت اینکه تصور میکنم در این موضوع هر چه زیادتر مذاکره بشود نتیجه بر سر می آید. نقطه حقیقی بهتر است و از آقایانی هم این اختلافات مالیاتی را از بین برداریم. حالا آیدیم سر یک مسئله که آقای مدرس در شور اول بیان کردند و بنده هم کاملا موافق آن مسئله کدام است؟ این است که باید مالیات را بر سرمایه تعیین کرد نه بر کار سرمایه. کدام است سرمایه آب است و زمین.

درواقع همان بیاناتی است که شاهزاده شیخ الرئیس فرمودند. بنده وقتی از شهر تهران رفتم یک زمینی دارم اجاره می دهم. چه چیز بهم میدهند؟ همان چیزی را که به من میدهند باید بر آن مالیات تعلق بگیرد. بر بنده و تخم و موامل مالیات تعلق نمی گیرد.

در سابق هم همین طور بوده و در نصاب زکوة هم همینطور است و موافق عدلو اصف هم هست. بواسطه اینکه مالیات بر سرمایه است.

بر زکوة نیست بر آب و زمین که سرمایه است اگر مالیات قرار بدهند ضرر به هیچ جا هم وارد نمی آید و هیچ وقت هم تقلیل ندارد. و آن لایحه را هم که آقای مصدق السلطنه در دوره چهارم پیشنهاد کرده بودند همینطور است و لایحه اش هم خدمت آقای دامغانی است.

در دوره چهارم هم مالیات را بر عایدات خالص مالکانه که در واقع سهم آب و زمین است قرار داده بودند. و اما در جواب آقای دامغانی، بنده در روز هم عرض کردم و خواستم این را وجود خارجی بهش بنده و آن این بود که گفتند خارج قنات بطور مطلق از رود آب زیادتر است.

بنده عرض کردم مختلف است همین الان بروید در دولا ب بیرون شهر به بیته رود آب است شبانه و روز دوست بنجاه تومان آب خریدند و وقتی که ملاحظه بفرمائید می بینید چنده قسم قنات داریم قنات داریم بنجاه هزار تومان هم نمی شود خرید و بیشتر تمام می شود قنات هم داریم که هشتصد تومان تمام می شود.

پس اینها را نمی توانیم مبده و مدرک قرار بدهیم. باید مبده همان مالیات بر آب و زمین را قرار بدهیم نه مالیات بر کار و منفعت را. تا این اشکالات برداشته شود.

بنده عقیده ام این است که باید همه اینها را در نظر گرفت و این قدر هم جدیت نداشته باشید که مالیات دولت کسر نشود. بسیار خوب بشود ما این قدر برایتان تأمین مالیات کردیم که دیگر رقبه اینها را نیاید بچورد.

وزیر مالیه - بنده نمی خواهم زیاد مزاحم و مصدع خدمت آقایان محترم بشوم به جهت اینکه تصور میکنم در این موضوع هر چه زیادتر مذاکره بشود نتیجه بر سر می آید. نقطه حقیقی بهتر است و از آقایانی هم این اختلافات مالیاتی را از بین برداریم. حالا آیدیم سر یک مسئله که آقای مدرس در شور اول بیان کردند و بنده هم کاملا موافق آن مسئله کدام است؟ این است که باید مالیات را بر سرمایه تعیین کرد نه بر کار سرمایه. کدام است سرمایه آب است و زمین.

درواقع همان بیاناتی است که شاهزاده شیخ الرئیس فرمودند. بنده وقتی از شهر تهران رفتم یک زمینی دارم اجاره می دهم. چه چیز بهم میدهند؟ همان چیزی را که به من میدهند باید بر آن مالیات تعلق بگیرد. بر بنده و تخم و موامل مالیات تعلق نمی گیرد.

در سابق هم همین طور بوده و در نصاب زکوة هم همینطور است و موافق عدلو اصف هم هست. بواسطه اینکه مالیات بر سرمایه است.

بر زکوة نیست بر آب و زمین که سرمایه است اگر مالیات قرار بدهند ضرر به هیچ جا هم وارد نمی آید و هیچ وقت هم تقلیل ندارد. و آن لایحه را هم که آقای مصدق السلطنه در دوره چهارم پیشنهاد کرده بودند همینطور است و لایحه اش هم خدمت آقای دامغانی است.

در دوره چهارم هم مالیات را بر عایدات خالص مالکانه که در واقع سهم آب و زمین است قرار داده بودند. و اما در جواب آقای دامغانی، بنده در روز هم عرض کردم و خواستم این را وجود خارجی بهش بنده و آن این بود که گفتند خارج قنات بطور مطلق از رود آب زیادتر است.

بنده عرض کردم مختلف است همین الان بروید در دولا ب بیرون شهر به بیته رود آب است شبانه و روز دوست بنجاه تومان آب خریدند و وقتی که ملاحظه بفرمائید می بینید چنده قسم قنات داریم قنات داریم بنجاه هزار تومان هم نمی شود خرید و بیشتر تمام می شود قنات هم داریم که هشتصد تومان تمام می شود.

چرا برای اینکه همانطور که آقایان اطلاع دارند همیشه دولتها در مقابل مغایرتها مابین مابین تاسیس کنند و مکرر و متغیر را قرار بدهیم نه مالیات بر کار و منفعت را. تا این اشکالات برداشته شود.

بنده عقیده ام این است که باید همه اینها را در نظر گرفت و این قدر هم جدیت نداشته باشید که مالیات دولت کسر نشود. بسیار خوب بشود ما این قدر برایتان تأمین مالیات کردیم که دیگر رقبه اینها را نیاید بچورد.

وزیر مالیه - بنده نمی خواهم زیاد مزاحم و مصدع خدمت آقایان محترم بشوم به جهت اینکه تصور میکنم در این موضوع هر چه زیادتر مذاکره بشود نتیجه بر سر می آید. نقطه حقیقی بهتر است و از آقایانی هم این اختلافات مالیاتی را از بین برداریم. حالا آیدیم سر یک مسئله که آقای مدرس در شور اول بیان کردند و بنده هم کاملا موافق آن مسئله کدام است؟ این است که باید مالیات را بر سرمایه تعیین کرد نه بر کار سرمایه. کدام است سرمایه آب است و زمین.

درواقع همان بیاناتی است که شاهزاده شیخ الرئیس فرمودند. بنده وقتی از شهر تهران رفتم یک زمینی دارم اجاره می دهم. چه چیز بهم میدهند؟ همان چیزی را که به من میدهند باید بر آن مالیات تعلق بگیرد. بر بنده و تخم و موامل مالیات تعلق نمی گیرد.

در سابق هم همین طور بوده و در نصاب زکوة هم همینطور است و موافق عدلو اصف هم هست. بواسطه اینکه مالیات بر سرمایه است.

بر زکوة نیست بر آب و زمین که سرمایه است اگر مالیات قرار بدهند ضرر به هیچ جا هم وارد نمی آید و هیچ وقت هم تقلیل ندارد. و آن لایحه را هم که آقای مصدق السلطنه در دوره چهارم پیشنهاد کرده بودند همینطور است و لایحه اش هم خدمت آقای دامغانی است.

در دوره چهارم هم مالیات را بر عایدات خالص مالکانه که در واقع سهم آب و زمین است قرار داده بودند. و اما در جواب آقای دامغانی، بنده در روز هم عرض کردم و خواستم این را وجود خارجی بهش بنده و آن این بود که گفتند خارج قنات بطور مطلق از رود آب زیادتر است.

بنده عرض کردم مختلف است همین الان بروید در دولا ب بیرون شهر به بیته رود آب است شبانه و روز دوست بنجاه تومان آب خریدند و وقتی که ملاحظه بفرمائید می بینید چنده قسم قنات داریم قنات داریم بنجاه هزار تومان هم نمی شود خرید و بیشتر تمام می شود قنات هم داریم که هشتصد تومان تمام می شود.

آن بعمل آید و نسبت بسایر مواد مذاکره شود.

رئیس - گمان نمی کنم ارجاع بکسیون ممکن باشد

آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده تقاضا میکنم از آقایان که موافقت بفرمایند ماده برگردد بکسیون. به جهت اینکه تصور میکنم ده جلسه دیگر هم مجلس نتواند این کار را خاتمه بدهد و باید ماده طوری تنظیم شود که ملاحظه و رعایت تمام جهات مملکت بشود.

بنده از قسمت کرمان اطلاع دارم که این ماده کاملا بضرر ایالت کرمان خواهد بود و آقای آقا شیخ فرج الله هم در این موضوع مذاکره کردند ولی کسیون در ظرف این مدت یک نظر ارائه پذیرفت. حتی از بعضی از آقایان نمایندگان هم که اطلاعاتی داشته درخواست کسب نظر نمایند و نظر آنها را بفهمند چیست و آنها را در این مسئله شرکت بدهند در اینصورت این ماده با وضعیت خیلی از نقاط موافقت نمیکند و بهتر این است آقایان موافقت بفرمایند که این ماده برود بکسیون و آقایان و کلای محلی هم ببینند در کسیون و نظریات خودشان را بگویند و آنجا مطلب را بصورت جامعی در آورند و مجدداً باید در مجلس والا باین ترتیب تاده جلسه دیگر مذاکره کافی نخواهد شد و نتیجه هم بدست نخواهد آمد.

مخبر - بنده یک نکته را باید عرض کنم آقایان برسانم و آن این است که این ماده اگر با این ترتیب و باین حال حاضر برود بکسیون کسیون نمی تواند در این موضوع مذاکره کند و اظهار عقیده نماید بلکه باید در مجلس آقایان پیشنهادات خودشان را بدهند هر کدام قابل توجه شد آنوقت در اطراف آن مذاکره میشود.

زیرا کسیون باید نظریه مجلس را بداند و اما اینکه فرمودند و کلای محلی برای اطلاع ایشان عرض کنم: اینها را که در کسیون هستند شاید محلی تر از دیگران هستند.

رئیس - آقایانیکه تقاضای آقای روحی را تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد اجازه فرمایند چند دقیقه تنفس داده شود؟

جمعی از نمایندگان - صبح است (در اینصورت جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چون در آخر مجلس همه برای رای گرفتن کافی نیست اجازه فرمایند چند نفره خبر کسیون مرخصی قرائت شود و رای گرفته شود.

جمعی از نمایندگان - صبح است (در اینصورت جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چون در آخر مجلس همه برای رای گرفتن کافی نیست اجازه فرمایند چند نفره خبر کسیون مرخصی قرائت شود و رای گرفته شود.

آقای روحی - بنده تقاضا میکنم از آقایان که موافقت بفرمایند ماده برگردد بکسیون. به جهت اینکه تصور میکنم ده جلسه دیگر هم مجلس نتواند این کار را خاتمه بدهد و باید ماده طوری تنظیم شود که ملاحظه و رعایت تمام جهات مملکت بشود.

بنده از قسمت کرمان اطلاع دارم که این ماده کاملا بضرر ایالت کرمان خواهد بود و آقای آقا شیخ فرج الله هم در این موضوع مذاکره کردند ولی کسیون در ظرف این مدت یک نظر ارائه پذیرفت. حتی از بعضی از آقایان نمایندگان هم که اطلاعاتی داشته درخواست کسب نظر نمایند و نظر آنها را بفهمند چیست و آنها را در این مسئله شرکت بدهند در اینصورت این ماده با وضعیت خیلی از نقاط موافقت نمیکند و بهتر این است آقایان موافقت بفرمایند که این ماده برود بکسیون و آقایان و کلای محلی هم ببینند در کسیون و نظریات خودشان را بگویند و آنجا مطلب را بصورت جامعی در آورند و مجدداً باید در مجلس والا باین ترتیب تاده جلسه دیگر مذاکره کافی نخواهد شد و نتیجه هم بدست نخواهد آمد.

مخبر - بنده یک نکته را باید عرض کنم آقایان برسانم و آن این است که این ماده اگر با این ترتیب و باین حال حاضر برود بکسیون کسیون نمی تواند در این موضوع مذاکره کند و اظهار عقیده نماید بلکه باید در مجلس آقایان پیشنهادات خودشان را بدهند هر کدام قابل توجه شد آنوقت در اطراف آن مذاکره میشود.

زیرا کسیون باید نظریه مجلس را بداند و اما اینکه فرمودند و کلای محلی برای اطلاع ایشان عرض کنم: اینها را که در کسیون هستند شاید محلی تر از دیگران هستند.

رئیس - آقایانیکه تقاضای آقای روحی را تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد اجازه فرمایند چند دقیقه تنفس داده شود؟

جمعی از نمایندگان - صبح است (در اینصورت جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چون در آخر مجلس همه برای رای گرفتن کافی نیست اجازه فرمایند چند نفره خبر کسیون مرخصی قرائت شود و رای گرفته شود.

ایشان تجدید تقاضا کردند و کسیون نظریه کسانی که ایشان داشته اند را موجه پنداشته از اول فروردین تا پنجم خرداد غیبت قهری ایشان را تصویب نماید.

رئیس - آقایانیکه مرخصی شصت و پنج روزه آقای فتح الله خان اکبر را تصویب می فرمایند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

مذاکرات راجع باده اول قانون میزیست.

آقای فشقانی - راجع بساده اول قانون میزی فرمایشی دارید؟

اسمهیل خان فشقانی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقامیرزا شهاب آقامیرزا شهاب - عرضی ندارم.

رئیس - آقای سلطانی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای میرزائی - عرضی ندارم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

(بعضی می گفتند کافی نیست)

رئیس - تصویب شد.

پیشنهاد آقای میرزائی (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده اول بطریق ذیل اصلاح شود:

از املاک مشروبه از قنات پس از وضع صدی ده

از املاک مشروبه از رود پس از وضع صدی یازده

از املاک مشروبه از چشمه پس از وضع صدی سه

از سهم مالک مالیات دریافت شود.

رئیس - آقای میرزائی (اجازه)

میرزائی - بنده که این پیشنهاد را کردم از نقطه نظر اینست که املاکی که از قنات مشروب میشود یک مغایرتی دارد که بیش از مغایرت سایر املاک است و بهمان مناسبت املاکی که از رودخانه مشروب می شود مغایرتش زیاد تر است از املاکی که از چشمه مشروب می شود.

البته املاکی که از رودخانه مشروب می شود آنها هم بواسطه سیل سالی دوسه مرتبه دچار زحمت و خسارت میشوند به اینجهت بنده این پیشنهاد را کردم دیگر بستانه به نظر آقای مغیر.

فیر وزیر - یک مرتبه دیگر این پیشنهاد خوانده شود.

(مجدداً شرح سابق خوانده شد)

آقای سید یعقوب - بنده تقاضا میکنم تجزیه شود.

مجلس - مقرر بفرمایند همه پیشنهادها را بخوانند.